

بایسته‌های ایجاد نظام مصادره مبسوط در پرتو توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی و انعکاس آن در نظام حقوقی ایران*

□ حسین سبحانی^۱✉

چکیده

جرایم سازمان‌یافته کلان اقتصادی و نظام‌مند چون پولشویی، واکنشی سازمان‌یافته و هماهنگ با جنس خود را می‌طلبد. گروه ویژه اقدام مالی به‌عنوان تخصصی‌ترین سازمان این حوزه از جرایم، یکی از راه‌های مقابله با جرایم مذکور را از طریق مؤلفه‌های نظام مصادره مبسوط و نیز تدابیر موقت در ذیل توصیه ۴، سند عملکرد (سوابق) بهینه در خصوص مصادره و نیز سند راهنمایی قضات و دادستان‌ها پیشنهاد داده است. در این پژوهش بررسی خواهد شد که مبانی نظام مصادره مبسوط چیست؟ از منظر گروه ویژه اقدام مالی، این نظام مصادره مبسوط، چه مؤلفه‌ها و چه انواعی دارد؟ مؤلفه‌های نظام مصادره مبسوط در نظام حقوقی ایران چگونه انعکاس یافته است؟ و در انطباق با بایسته‌های نظام مصادره مبسوط گروه ویژه، نظام مصادره اموال در حقوق ایران از چه الزاماتی باید برخوردار باشد؟ جهانی شدن بزهکاری و استیصال نظام عدالت کیفری، مهم‌ترین

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۶.

۱. دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (hemmmat.ebrahim@gmail.com).

مبانی ظهور نظام مصادره مبسوط به حساب می‌آیند. در بررسی اسناد گروه ویژه اقدام مالی، «جرایم منشأ خاص» (سبک زندگی مجرمانه)، «مفروضات قانونی»، «ادله اثباتی مخففه» و «انقلاب دعوی»، چهار مؤلفه نظام مصادره مبسوط را شکل می‌دهند. مؤلفه‌های مذکور بسته به نوع مصادره می‌تواند متفاوت باشد. مصادره مبسوط به سه نوع مصادره مبسوط کیفری، مصادره مبسوط مدنی و مصادره مبسوط اداری تقسیم می‌گردد. در نظام حقوقی ایران نیز در «قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان مصوب ۱۳۳۷»، «قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷» و «قانون الحاق موادی به قانون نحوه اجرای اصل چهل و نهم (۴۹) مصوب ۱۳۹۹»، نزدیک‌ترین نظام مصادره به نظام مصادره مبسوط، قابل ملاحظه است. اهم آسیب‌های نظام حقوقی حاکم بر مصادره مبسوط در ایران، در انطباق با استانداردهای گروه ویژه اقدام مالی می‌تواند شامل: ۱- عدم پیش‌بینی مصادره مبسوط اداری، ۲- نبود مؤلفه جرایم منشأ خاص (سبک زندگی مجرمانه) و مفروضات قانونی در مصادره مبسوط کیفری، ۳- ابهام در «استاندارد برابری سلاح‌ها» و ۴- ابهام در معیار انقلاب دعوی و ادله اثباتی مخففه باشد. لازم به ذکر است که این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و در جمع‌آوری منابع، از روش کتابخانه‌ای بهره می‌گیرد.

واژگان کلیدی: مصادره مبسوط، گروه ویژه اقدام مالی، پولشویی، نظام حقوقی ایران.

مقدمه

از معضلات جهانی شدن و نزدیکی جوامع، بروز جرایم سازمان‌یافته و فراملی است. مبارزه با این دسته از جرایم به جهت ساختارمندی، سازمان‌یافتگی و فراملی بودن آن‌ها، نیازمند اتخاذ نظام هماهنگ با ویژگی آن‌هاست (میرسعیدی و سبحانی، ۱۴۰۱: ۷۵). گروه ویژه اقدام مالی (FATF)^۱ تخصصی‌ترین سازمان در حوزه مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم است که نظام پیشنهادی خود را در قالب یک رژیم نظام‌مند متناسب با ماهیت سازمان‌یافته جرم پولشویی و تأمین مالی تروریسم و اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، در قالب ارائه توصیه‌هایی به کشورها با عنوان «استانداردهای بین‌المللی در مبارزه با

1. FATF (Financial Action Task Force).

پولشویی و تأمین مالی تروریسم» ارائه داده است (FATF, 2012-2018: 29). از جمله توصیه‌های مورد تأکید گروه ویژه اقدام مالی، مصادره اموال مرتبط با جرم است. مصادره به‌عنوان واکنش کیفری، یک وسیله پیشگیری از آینده است که مانع می‌شود متهم اموال و عوائد را برای ارتکاب جرایم مشابه یا دیگر جرایم شدید به کار گیرد (Cassella, 2013: 98-103). گروه مذکور در سند استانداردها^۱ در ذیل توصیه شماره ۴ و نگاشته تفسیری آن و نیز سند عملکرد (سوابق) بهینه در خصوص مصادره^۲ مؤلفه‌هایی را برای مصادره اموال برشمرده است. این نوع مصادره در نظام‌های حقوقی به‌عنوان «مصادره مبسوط»^۳ شناخته می‌شود. این نوع مصادره در مقابل «مصادره متداول» قرار می‌گیرد. در مصادره متداول می‌بایست ارتباط بین جرم و اموال موضوع مصادره اثبات گردد و سپس مال مربوطه مصادره گردد (نجفی، ۱۳۹۸: ۱۵۱). این نوع مصادره به‌صورت سنتی تنها ناظر به مال حاصل از جرم می‌باشد. دادستان و مقام تعقیب ملزم هستند تا جرم و اموال حاصل از جرم مورد بحث را به اثبات رسانند تا در مراحل دادرسی متهم بتواند به مصادره اموال محکوم شود (FATF, 2012-2018: 8). در مصادره مبسوط برخلاف مصادره متداول، نیازی نیست که ابتدا جرمی که اموال از آن تحصیل شده است، اثبات گردد و پس از اثبات رابطه جرم و اموال موضوع مصادره، حکم به مصادره صادر شود؛ بلکه اگر مضمونی مرتکب جرایم خاصی (جرایم سبک زندگی یا همان جرایم با منشأ خاص)^۴ گردد، فرض بر این است که اموال بیشتری با منشأ مجرمانه جهت مصادره وجود دارد و با مفروض دانستن نامشروع بودن دیگر اموال متهم به‌دلیل ارتکاب دسته‌ای خاص از جرایم، مثل جرم قاچاق مواد مخدر، مصادره به اموال دیگری غیر از اموالی که مستقیماً مرتبط با محکومیت مجرمانه می‌باشد، تسری و بسط می‌یابد (Vettori, 2006: 2). پس از اینکه دیگر اموال متهم نامشروع فرض شد، متهم باید

1. International Standards on Combating Money Laundering and the Financing of Terrorism & Proliferation.
2. Best Practices on Confiscation (Recommendations 4 and 38) and a Framework for Ongoing Work on Asset Recovery.
3. Extended confiscation.

۴. در ادامه، ذیل (مؤلفه‌های مصادره مبسوط) تشریح خواهد شد.

مشروع بودن آن‌ها را به اثبات رساند؛ در غیر این صورت، همه آن اموال مصادره می‌گردد. این نوع مصادره، ابتدا در جرایم مواد مخدر و جرایم سازمان‌یافته مورد استفاده قرار گرفت و سپس به دیگر حوزه‌های جرایم از جمله حوزه‌های جرایم تروریستی و جرایم فساد تسری یافت^۱ (Thunberg Schunke, 2017: 43-45). در ادامه توسعه این نوع مصادره، نوع خاصی از مصادره مبسوط نمایان شد که لزوم اثبات و ارتکاب جرم خاص را نیز برای متهم لازم نمی‌دانست؛ بلکه صرف مظنون بودن دارایی‌های فرد، برای مصادره اموال کافی بود. در این نوع مصادره، چنانچه اموال متهم با شرایط شغلی و رفتاری وی همخوانی نداشته باشد، بلکه الگوی رفتاری وی شبیه به مجرمان باشد، کافی است که اموال وی در مظان مصادره مبسوط قرار گیرد (Alagna, 2015: 447). در این نوع مصادره، مجرم شناخته شدن متهم موضوعیت ندارد؛ بلکه مصادره تنها علیه اموال رخ می‌دهد و حتی پس از مصادره نیز فرد به‌عنوان مجرم شناخته نمی‌شود و تنها از حق مالکیتش محروم می‌گردد^۲ (Boucht, 2017: 2). نهاد مصادره مبسوط در نظام‌های حقوقی به نحو متفاوت و با گستره‌های متعددی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است؛ از جمله اینکه در برخی، مصادره بدون محکومیت در دادرسی کیفری مجری دانسته شده و در برخی تنها محدود به دادرسی مدنی گردیده است (Kennedy, 2004: 8-13; Euro just, 2013; Brussels, 2012: 18). این تحولات در خصوص بار اثبات و همچنین امارات و قرائن قانونی در خصوص منشأ جرم نیز قابل مشاهده است، که حسب مورد در ادامه این مقاله به آن‌ها پرداخته خواهد شد. در این پژوهش بررسی خواهد شد که چگونه جهانی شدن بزهکاری و سازمان‌یافته شدن جرایم توانست مبنایی برای ظهور مصادره مبسوط باشد؟ دادگاه‌های داخلی و دادگاه حقوق بشر اروپایی بر اساس چه مبنا و استدلالی، مصادره مبسوط را در آراء خود پذیرفتند؟ از منظر گروه ویژه اقدام مالی، نظام مصادره مبسوط چه مؤلفه‌ها و چه انواعی دارد؟ مؤلفه‌های نظام مصادره مبسوط در نظام حقوقی ایران چگونه انعکاس یافته است؟ و در انطباق با بایسته‌های نظام مصادره پیشنهادی گروه ویژه، نظام مصادره اموال در حقوق ایران از چه الزاماتی باید برخوردار باشد؟ در این راستا، نخست مبانی نظام مصادره

۱. در ادامه تشریح خواهد شد که این نوع مصادره مبسوط را مصادره مبسوط کیفری می‌دانند.

۲. در ادامه تشریح خواهد شد که این نوع مصادره مبسوط را مصادره مبسوط مدنی می‌دانند.

مبسوط تبیین (گفتار نخست)، مؤلفه‌های مصادره مبسوط از منظر گروه ویژه اقدام مالی و نیز انواع آن تشریح (گفتار دوم)، و سپس انعکاس و الزامات مؤلفه‌های مصادره مبسوط در نظام حقوقی ایران (گفتار سوم) بیان می‌شود.

۱. مبانی نظام مصادره مبسوط

تغییر و تحولات اجتماعی موجبات تحولات نظام‌های حقوقی را فراهم می‌سازد. از این رو در این گفتار، جهانی شدن بزهکاری، استیصال نظام عدالت کیفری در مقابله با جرایم سازمان‌یافته به‌عنوان برآمد آن و نیز سازواری مبانی مصادره مبسوط در آراء دادگاه‌های ملی و حقوق بشر اروپایی به‌عنوان مبانی تحول نظام مصادره و ظهور مصادره مبسوط بیان می‌شود.

۱-۱. جهانی شدن بزهکاری

جهانی شدن را می‌توان پدیده‌ای پرشتاب دانست که از فرایندی کیفی برخوردار است؛ فرایندی که در قلمروی فراسوی مرزهای جغرافیای ملی عمل می‌کند و اثرگذاری خود را به نمایش می‌گذارد. در این راستا، طیف گسترده‌ای از تصمیم‌گیری‌ها، کنش‌ها، واکنش‌ها و سنجش‌ها در سطح جهانی و با دخالت عوامل فراتر از مرزها اتخاذ می‌شوند (خلیلی پاچی، ۱۴۰۰: ۱۴؛ شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۲: ۷). با جهانی شدن، اعتبار مرزهای سیاسی رو به افول می‌رود؛ زیرا پیشرفت‌های فناوری و تسهیل ارتباطات با نبود مرزها رشد می‌یابد و مجرمان نیز از تجهیزات، امکانات و فرصت‌های تحصیل شده در جهت تحقق‌بخشی به اهداف خود بهره می‌گیرند (جوانمرد، ۱۳۹۶: ۱۰۰-۱۰۱). از این رو، از ثمرات جهانی شدن، رشد انواع جدیدی از جرایم با ویژگی‌ها و ماهیتی کاملاً متمایز است و این جرایم، اقتصاد جهانی و اقتصاد ملی را تهدید می‌کنند و در کنار جهانی شدن اقتصاد، جهانی شدن اندیشه جرم را از سطح ملی به سطح بین‌المللی تسری می‌دهد. در نتیجه، کشف جرم، مجرم و اموال حاصل از جرم، به مرحله جدید بی‌سابقه‌ای وارد می‌شود (رابرتسون، ۱۳۸۲: ۱۲؛ نصری، ۱۳۸۰: ۲۸۹). دیگر دولت‌ها نمی‌توانند تنها متکی بر قلمرو خود، منشأ جرایم را کشف نمایند؛ زیرا اصل جرم در کشورهای دیگر اتفاق

می‌افتد و اموال حاصل از آن در کشور دیگر در چرخه پولشویی، مشروع جلوه می‌کند و این فرایند جرم توسط متهمان با تابعان مختلف انجام می‌شود. این فرایند جهانی شدن، رشد دامنه جرایم را نیز جهانی کرد (Manes, 2015: 2). این تحول در جهانی شدن که منجر به گسترش اندیشه جرم و نیز کشف جرم شد، موجب گردید که دولت‌ها قالب نوینی را برای مقابله با اندیشه جهانی شدن جرم دنبال کنند. این واکنش در قالب مصادره مبسوط نمایان شد. در این نوع مصادره، چون مشروع بودن اموال بر عهده متهم قرار می‌گرفت، دیگر فرامرزی و جهانی بودن اصل جرم نمی‌توانست سبب کسب سود و منفعت برای مجرمان باشد. از این طریق، هدف غایی مجرمان که کسب منفعت حداکثری بود، کنترل شد و کاهش یافت (Thunberg Schunke, 2017: 43-45).

۲-۱. استیصال نظام عدالت کیفری در مقابله با ظهور جرایم سازمان‌یافته

برای مدت طولانی، نهادهای حقوقی متعدد تنها به محکومیت کیفری و حبس مجرمان اکتفا کرده، مصادره عواید حاصل از جرم را پیش‌بینی نکرده بودند (Stessens, 2002: 2). با این حال، از آنجا که جرایم سازمان‌یافته به‌طور فزاینده‌ای در درجه اول از طریق جرایم مواد مخدر، در دهه ۱۹۸۰ گسترش یافت، به یک معضل بین‌المللی تبدیل شد (سبحانی و میرسعیدی، ۱۴۰۲) و مشخص شد که ابزارهای قانونی موجود برای مقابله با آن کافی نیست؛ چراکه اولاً محکومیت به حبس تعدادی محدود از مجرمان سازمان‌یافته در پشت میله‌های زندان و بهره‌برداری از منافع جرمشان پس از آزادی نمی‌تواند تأثیر عینی در کنترل جرایم سازمان‌یافته داشته باشد. ثانیاً از آنجا که مجرمان جرایم سازمان‌یافته از قدرت و سازماندهی جرایم مذکور برای دور نگه داشتن خود از جنایاتی که به نحو سازمان‌یافته طراحی کرده بودند، بهره گرفته و از این طریق توانستند منشأ مجرمانه دارایی‌های خود را مخفی سازند و از اذعان نهادهای کیفری دور دارند، در این راستا حتی امکان محکومیت محدود نیز برای آن‌ها در بسیاری مواقع غیرممکن شد (Thony, 2005: 1-120). این استیصال، نهفته در ماهیت جرایم سازمان‌یافته و چگونگی ارتکاب آن‌هاست؛ بدین‌نحو که بخش‌های متعدد رفتار مجرمانه توسط مجرمان با تابعیت ناهمسان، در قلمرو سرزمینی کشورهای متفاوت انجام شده و سپس

پول تحصیل شده از جرم نیز به روش‌های هدفمند در کشورهای از پیش تعریف شده که نظام مالی غیرشفاف و ضعیف دارند، از طریق فرایندهای متفاوت پولشویی شده و ظاهری مشروع یافته است. این نظام‌مندی در طراحی قبلی جرم که موجب افتراق ماهوی جرایم سازمان‌یافته از دیگر جرایم می‌گردد، امکان کشف جرم و مجرم و در مواردی حتی با کشف جرم نیز امکان شناسایی مجرم را کأن لم‌یکن یا بسیار محدود یا دشوار می‌نماید. این ویژگی‌های افتراقی، واکنش‌های افتراقی با ابزارهای منحصر به فرد خود را می‌طلبد که در قالب مجازات «مصادره مبسوط»^۱ و جرم‌انگاری پولشویی در نظام‌های حقوقی نمایان می‌گردد (سبحانی، ۱۴۰۲: ۱۸۰).

به صورت سنتی اساساً در دادرسی کیفری، مصادره تنها در حالتی ممکن بود که رابطه مال و جرم به اثبات برسد و مجرم به جرمی که مال مربوط به آن است، محکوم گردد. در ادامه استمرار این فرایند به‌ویژه در مورد جرایم سازمان‌یافته، اثبات و یافتن ارتباط بین جرایم و اموال و همچنین جمع‌آوری و تحصیل دلایل کافی مبنی بر اینکه دارایی‌ها منشأ مجرمانه دارند، بسیار دشوار بود؛ زیرا در نظام کیفری سنتی با وقوع جرمی مانند سرقت، مراحل کشف، تعقیب، تحقیق، دادرسی و مجازات به دلیل شناخته شده بودن بزه‌کار برای بزه‌دیده و دستگاه عدالت کیفری ممکن بود و موانعی مثل سازمان‌یافته بودن جرم، فراملی بودن جرم، فراملی بودن مجرمان و... وجود نداشت. این در حالی است که در پی جهانی شدن جرم و پیچیده شدن رفتار مجرمانه از جمله فراملی شدن و نیز سازمان‌یافته شدن آن، خروج از آنی و لحظه‌ای بودن و توسل به برنامه منسجم و نظام‌مند شدن جرم در رسیدن به هدف، کشف و مقابله با آن، نیازمند تغییر ماهوی در ابزارها و بازتعریفی از اصول حاکم بر استانداردهای دفاعی متهم و واکنشی مجریان قانون شد (Bassiouni & Vetere, 1998: 2). در نتیجه، مقابله با این دسته از جرایم نوین، از طریق ابزارهای سنتی مثل مصادره متداول ممکن نبود. در این راستا، جهت مبارزه با جرایم سازمان‌یافته بین‌المللی که غالباً منفعت‌مدار و ثروت‌مدار هستند، اصل اساسی سیاست بین‌المللی بر رژیم مصادره اموال قرار گرفت (Ryder, 2013: 767, 774) و

1. Extended confiscation.

به‌نحو چشمگیری، نهاد مصادره در سال‌های اخیر رشد و گسترش یافت. این رژیم نوین مصادره به‌عنوان «مصادره مبسوط» در نظام‌های حقوقی مختلف شناخته شده است (Maugeri, 2012: 257-297).

۳-۱. سازواری مبانی با حقوق بشری

دادگاه حقوق بشر اروپا در پرونده‌های متعددی در خصوص دامنه اموال موضوع مصادره و انقلاب دعوی، در مصادره مبسوط، مصادره مبسوط را برخلاف حقوق بشر و اصل برائت و عدم مجرمیت ندانسته و استدلال کرده است:

۱- هدف از انقلاب دعوی در موضوع مورد بحث، محکومیت متهم به‌عنوان مجرم نیست؛ بلکه هدف از انقلاب دعوی، تعیین دامنه اموال موضوع مصادره است. بنابراین انقلاب دعوی در خصوص عنوان مجرمانه قاچاق مواد مخدر واقع نشده است تا بتوان آن را نقض اصل برائت و برخلاف حقوق بشر دانست. در واقع، در مصادره مبسوط کیفری^۱ مجرم بودن فرد در خصوص جرایم سازمان‌یافته خاص اثبات می‌شود و سپس به‌جهت تعیین دامنه اموال موضوع مصادره و میزان مجازات، متهم باید مشروع بودن اموال خود را اثبات کند و میزان اموالی که بتواند مشروعیت آن‌ها را اثبات کند، به‌عنوان میزان مجازات مصادره در قبال جرایم منشأ خاص (سبک زندگی مجرمانه) که مرتکب شده است، تعیین می‌شود. بنابراین انقلاب دعوی در خصوص اصل اتهام رخ نمی‌دهد، بلکه بعد که مجرم بودن فرد احراز شد، برای تعیین میزان مجازات، دعوی منقلب شده که با اصل بی‌گناهی فرد در تعارض نیست (Para. 34, Appl. No. 41087/98, Judgment of 5 July 2001, As cited Thunberg Schunke, 2017: 78-89).

۲- نظام حقوقی، پادمان‌های متعددی از جمله استماع بیانات متهم، مخدوش کردن ادله، و حق بر ارائه دلیل توسط متهم را نیز پیش‌بینی نموده است؛ لذا انقلاب دعوی با وجود پادمان‌های مذکور نمی‌تواند ناقض اصل برائت و اماره بی‌گناهی باشد (Para. 35, Appl. No. 41087/98, Judgment of 5 July 2001, As cited Thunberg Schunke, 2017: 78-89).

۱. در ادامه، ذیل عنوان «انواع مصادره مبسوط» تشریح خواهد شد.

۳- حق متهم مبنی بر امکان رد کردن فرض‌ها و نیز اثبات مشروع بودن اموال موضوع مصادره، مهم‌ترین دلیل برای حفظ اصل براءت است (Para. 28, Appl. No. 10519/83, Judge, As cited Thunberg Schunke, 2017: 78-89).

دادگاه حقوق بشر اروپایی و دادگاه‌های داخلی اروپا، عدم مخالف مصادره مبسوط مدنی^۱ با اصل بی‌گناهی یا اصل براءت را بدین شرح توصیف نموده‌اند که در این نوع مصادره، وقتی فرد طبق الگوی رفتاری مجرمانه^۲ از جمله عدم تناسب دارایی‌ها با شغل و منصب اجتماعی، ارتباطات وی با مجرمان و عدم وجود دلیلی مبنی بر مشروع بودن اموال وی، اموالش در مظان نامشروع بودن قرار گرفت، خود اموال موضوع دعوی قرار گرفته و نامشروع بودن اموال را مفروض می‌گیرند. بنابراین چون ادعای عدم مشروعیت علیه خود اموال بما هو اموال انجام می‌شود و به موضوع مجرمیت متهم پرداخته نمی‌شود، از این رو اگر با وجود الگوی رفتاری مجرمانه، متصرف نتواند مشروع بودن اموالش را اثبات کند، به‌عنوان مجرم شناخته نشده، بلکه تنها اموالش مصادره می‌شود (Para. 30, Appl. No. 17440/90, Judgment of 9 February 1995, As cited Thunberg Schunke, 2017: 78-89)؛ زیرا مصادره مبسوط مدنی،^۳ محدودیتی بر حق مالکیت افراد دانسته شده که برای حفظ نظم عمومی و منفعت عمومی لازم است تا دولت چنین اختیاری را دارا باشد که در خصوص افراد با الگوی رفتاری مجرمانه و مظنون به نامشروع بودن اموالشان، توضیح و شفاف‌سازی منشأ مشروعیت اموالشان را درخواست نماید (Ibid.). بنابراین در این نوع مصادره، فرد متهم مجرم محسوب نمی‌شود؛ بلکه در خصوص حق مالکیت وی محدودیت حاصل شده که لازم است به‌دلیل رفتار نامتعارفش، مشروع بودن اموال خود را اثبات نماید و در صورت عدم موفقیت، اموال مصادره می‌شود، بی‌آنکه وی مجرم شناخته شود (Harris, 2014: 206; Appl. No. 8544/79, 21 February 1984; Appl. No. 5100/71; 5101/71; 5102/71; 5354/72; 5370/72, June 1976).

در رأی دیگر، مصادره مبسوط متعارض با اصل بی‌گناهی دانسته نشده است؛ بلکه

۱. در ادامه، ذیل عنوان «انواع مصادره مبسوط» تشریح خواهد شد.

2. Pattern of criminal behavior.

۳. در ادامه، ذیل عنوان «انواع مصادره مبسوط» تشریح خواهد شد.

از باب منفعت عمومی - همان‌طور که در ماده ۱ پروتکل الحاقی اول کنوانسیون حقوق بشر اروپایی تصریح شده است^۱ - به‌عنوان یک عامل محدودکننده حق مالکیت افراد برشمرده شده است که با حقوق بنیادین افراد در تعارض نیست و دولت این اختیار را دارد که از باب حفظ منفعت عمومی، حقوق افراد را محدود کند. بنابراین مصادره مرسوم مدنی، حقوق مالکیت افراد را محدود کرده است؛ نه اینکه بخواهد آن‌ها را مجرم به حساب آورد (Para. 30, Appl. No. 17440/90, Judgment of 9 February 1995, As cited Thunberg Schunke, 2017: 78-89).

دادگاه حقوق بشر اروپایی، استدلال دادگاه قانون اساسی ایتالیا را در متعارض نداشتن مصادره مرسوم مدنی با اصل بی‌گناهی، قانع‌کننده دانست و بر آن صحنه گذاشت. در رأی مورد بحث، هدف از مصادره مرسوم، پیشگیری از آثار و زیان‌های بسیار خطرناک اموال نامشروع بر جامعه و اقتصاد دانسته شده و بیان شده که مصادره مرسوم از خطرناکی اموال در آینده که به نابسامانی اقتصادی می‌انجامد، جلوگیری می‌کند. خطرناکی چنانچه ناظر به شخص باشد، به آن خطرناکی ذهنی می‌گویند و خطرناکی که ناظر به اموال باشد، خطرناکی عینی دانسته می‌شود. فرد مجرم که دارای خطرناکی بالقوه است، از طریق مجازات و بازپروری، حالت خطرناکی‌اش تصحیح می‌شود؛ اما خطرناکی حاصل از اموال نامشروع که از طریق جرایم کلان سازمان‌یافته بر اقتصاد جامعه تحمیل می‌شود، تنها از طریق مصادره قابل کنترل و اصلاح است.^۲ بنابراین مصادره مرسوم مدنی به دنبال مجرم دانستن مجرم نیست، بلکه می‌خواهد تنها از خطرناکی عینی اموال در آینده پیشگیری کند. از این رو، این نوع مصادره با اصل بی‌گناهی

۱. هر شخص حقیقی یا حقوقی، حق برخورداری مسالمت‌آمیز از دارایی خود را دارد. هیچ‌کس را نمی‌توان از مالکیتش محروم کرد، مگر به‌خاطر منافع عمومی و با رعایت شرایط مقرر در قانون و اصول کلی حقوق بین‌الملل. با این حال، مقررات قبلی به‌هیچ‌وجه به حق یک دولت برای اجرای قوانینی که برای کنترل استفاده از دارایی مطابق با منافع عمومی یا تضمین پرداخت مالیات یا سایر مشارکت‌ها یا جریمه‌ها ضروری می‌داند، خدشه‌ای وارد نخواهد کرد (ماده ۱ پروتکل الحاقی اول قانون حقوق بشر اروپایی).

۲. شایان ذکر است فردی که اموال خطرناکی تحصیل کرده است، حالت خطرناکی ذهنی خود را دارد؛ اما در این رأی از این منظر به موضوع توجه نشده است. بنابراین می‌توان گفت که مقام بحث رأی دادگاه، مقام حصر نیست، بلکه به دنبال تحلیل مبانی مصادره مرسوم است.

افراد در تعارض نیست؛ زیرا اگرچه اموال مصادره می‌شوند، اما فرد متصرف اموال، مجرم محسوب نمی‌شود (ECtHR, M v. Italy, Appl. No. 12386/86, 15 April 1991; Italy, Appl. No. 52024/99, 5 July 2001; Appl. No. 12954/87, 22 February 1994).

دادگاه حقوق بشر اروپایی در رأی دیگری نیز بر جنبهٔ پیشگیری مصادره مبسوط تأکید داشته و پیشگیری را غیر از مجرم دانستن فرد متهم برشمرده است (Appl. No. 8544/79, 21 February 1984). در پرونده‌ای دیگر، دادگاه حقوق بشر اروپایی ناظر به مسئله نظم و منفعت عمومی تأکید و تصریح داشته است:

«... با توجه به آثار زینباری که جرایم سازمان‌یافته مثل قاچاق و نیز عواید حاصل از آن برای جامعه خواهد داشت، قاطعیت کشورها در مقابله با آن از طریق مصادره مبسوط اموال قابل پذیرش و تأیید است» (Aboufadda v. France, Appl. No. 28457/10, Decision on 4 November 2014, As cited Thunberg Schunke, 2017: 78-89).

رأی دادگاه انگلستان در همین راستا، مصادره مبسوط را پاسخی متناسب با آفت و بلای قاچاق مواد مخدر دانسته است؛ زیرا نوع آسیبی که برای جامعه دارد، با واکنش مصادره مبسوط تناسب دارد (Para. 52, Appl. No. 41087/98, Judgment of 5 July 2001, As cited Thunberg Schunke, 2017: 78-89).

در دیگر آرای دادگاه حقوق بشر اروپایی نیز بر لزوم این تناسب تصریح شده است و از آن به‌عنوان الگوی توازن بین برخورداری از حقوق فردی و حمایت از منافع عمومی یاد می‌شود (McBride, 1999: 24; Appl. No. 7151/75 and 7152/75, 18 December 1984). در دو رأی مذکور، منفعت عمومی بر حق شخصی افراد مقدم شده و همین تقدم منفعت جامعه بر حق شخصی افراد و حفظ جامعه از خطر جرایم سازمان‌یافته، موجبی برای تأیید مصادره مبسوط توسط دادگاه بوده است. پروتکل الحاقی کنوانسیون حقوق بشر نیز دولت‌ها را برای حفظ منفعت عمومی جامعه از طریق محدودسازی حقوق شخصی افراد مجاز دانسته است که در آرای دادگاه حقوق بشر اروپایی و دادگاه‌های داخلی نیز در تأیید مصادره مبسوط بدان استناد شده است (ECtHR, Agosi v. the UK, 24 October 1986; Harris, O'Boyle & Warbrick, 2015: 895).

۲. مؤلفه‌ها و انواع نظام مصادره مبسوط از نظرگاه گروه ویژه اقدام مالی

از مسائل قابل توجه این است که چگونه دادگاه در جایی که تعقیب جرم، همه اتهامات احتمالی را در بر نگرفته - بلکه تنها به نمایندگی از آن اتهامات، برخی اثبات شده است-، عواید حاصله را محاسبه و مورد رسیدگی قرار بدهد؟ گروه ویژه اقدام مالی برای پاسخ به چالش مذکور، نظام مصادره مبسوط را - که در مقدمه تشریح و تبیین شد، پیشنهاد داده است. این نظام مؤلفه‌ها و انواعی دارد و مؤلفه‌ها نیز بسته به انواع می‌تواند متفاوت باشد. در این فصل، ابتدا مؤلفه‌های مصادره مبسوط از نظرگاه اسناد گروه ویژه اقدام مالی تبیین و سپس انواع آن تشریح می‌شود.

۲-۱. مؤلفه‌های مصادره مبسوط از نظرگاه گروه ویژه اقدام مالی

در نظام مصادره اموال در بررسی اسناد گروه ویژه اقدام مالی، «جرایم منشأ خاص» (سبک زندگی مجرمانه)، «مفروضات قانونی»، «ادله اثباتی مخففه» و «انقلاب دعوی»، چهار مؤلفه نظام مصادره مبسوط را شکل می‌دهند (FATF, 2012: 7). در ادامه، این مؤلفه‌ها تبیین می‌شوند.

۲-۱-۱. مؤلفه جرایم منشأ خاص (مؤلفه سبک زندگی مجرمانه)^۱

جرایم منشأ خاص (سبک زندگی مجرمانه) جرایمی هستند که موجب می‌شوند فرد در مظان مجازات مصادره اموال به صورت مبسوط واقع شود. در واقع، پس از اینکه مجرم بودن متهم به ارتکاب جرایم سبک زندگی اثبات شد، اموال آن‌ها به دامنه مجازات مصادره مبسوط وارد می‌شود. این دسته از جرایم توسط قانونگذار فهرست می‌شود. چنانچه فردی مرتکب این دسته از جرایم گردد، با وجود شرایطی به‌عنوان فردی که سبک زندگی مجرمانه دارد، محسوب می‌شود (Thunberg Schunke, 2017: 4-5). این دسته از جرایم با توجه به ماهیتی که دارند، غالباً همراه با ارتکاب سایر جرایم انجام می‌شوند، به‌راحتی تکرار می‌شوند، پرمفعت هستند و با توجه به ویژگی سازمان‌یافتگی که دارند، جزء جرایم با نرخ کم کشف، توصیف می‌شوند. از این رو،

1. Criminal lifestyle.

تعیین مجازات مصادره مبسوط برای آن‌ها، واکنشی مناسب ارزیابی می‌شود (Ulph, 2010: 272). از جمله این جرایم می‌توان به قاچاق مواد مخدر، هدایت تروریستی،^۱ برده‌داری، قاچاق انسان، قاچاق سلاح، جرم جعل اسکناس، جرایم مالکیت معنوی، جرایم جنسی کودکان و جرم اخاذی اشاره کرد که در قانون عواید مجرمانه ۲۰۰۲ انگلستان به‌عنوان جرایم سبک زندگی نام‌گذاری شده‌اند (Part 75 of the Proceeds of Crime Act 2002).

گروه ویژه اقدام مالی برای احراز داشتن مؤلفه سبک زندگی مجرمانه^۲ - مؤلفه نخست مصادره مبسوط کیفری-^۳ در خصوص متهم، سه شرط بیان داشته است. نخستین شرط، ارتکاب جرایم شدید است که به آن‌ها جرایم با منشأ خاص یا جرایم سبک زندگی نیز گفته می‌شود. در خصوص جرایم شدید در ترمینولوژی استانداردهای گروه ویژه، در ذیل مجموعه جرایم معین اذعان داشته که جرایم زیر در هر کشور می‌تواند به‌عنوان جرایم شدید محسوب شود؛ از جمله آن جرایم می‌توان به مشارکت در گروه مجرمانه سازمان‌یافته، جرایم تروریستی، قاچاق انسان، قاچاق مواد مخدر، استثمار جنسی و سوءاستفاده جنسی از کودکان، قاچاق سلاح، فساد و جرایم محیط زیستی اشاره کرد. شایان ذکر است که مصادیق مذکور، از باب مثال در تعریف گروه ویژه اقدام مالی ذکر شده است و کشورها بسته به شرایطشان می‌توانند جرایم شدید را تعریف و مصادیق آن را تعیین نمایند (FATF, 2012-2018: 119).

دو شرط دیگر جهت اثبات شدن مؤلفه سبک زندگی مجرمانه عبارت‌اند از: نخست اینکه در طول تحقیقات کیفری علیه شخص متهم، تحقیقات مالی نیز شروع شود و گزارش تحقیقات مالی نشان دهد جرمی که فرد بدان محکوم شده است یا دیگر جرایم ارتكابی، موجب شده که وی از طریق نامشروع اموالی را دارا شود. دوم اینکه اماره و شواهد پذیرفتنی و اقناع‌کننده وجود داشته باشد که متهم همه اموال موضوع مصادره را از طریق نامشروع تحصیل کرده است (FATF, 2012: 7).

1. Directing terrorism.
2. Criminal lifestyle.

۳. در ادامه تشریح می‌شود.

در مواد ۳ و ۵ دستورالعمل ۲۰۱۴ اتحادیه اروپا با موضوع مبارزه با پولشویی نیز جرایم مذکور به‌عنوان جرایم سبک زندگی مجرمانه پذیرفته شده‌اند (Directive 2014/ European Union).

در نظام حقوقی انگلستان نیز دادگاه بدوی^۱ می‌بایست در آغاز فرایند مصادره تعیین نماید که آیا متهم مرتکب جرایم سبک زندگی مجرمانه شده است؟ (Part 6(4) of the Proceeds of Crime Act 2002).

فصل ۱۳ گفتار ۶۸ قانون مجازات نروژ به مصادره مبسوط اختصاص داده شده است (Act of 20 May 2005 No. 28). در این قانون برای داشتن سبک زندگی مجرمانه، سه شرط بیان شده است:

نخست: فرد متهم، مرتکب جرم یا جرایمی گردد که ماهیتاً عوایدی از آن تحصیل گردد و مجموعاً بالغ بر ۱۰۰ هزار واحد نروژی باشد و
دوم: جرم یا جرایم مذکور می‌بایست مجموعاً شش سال حبس یا بیشتر در پی داشته باشد یا

سوم: حداقل یک عمل مجرمانه با مجازات حبس برای مدت دو سال یا بیشتر مرتکب شود یا شروع به چنین عملی نماید، در حالی که وی در طی پنج سال گذشته نیز مرتکب چنین جرمی که ماهیتاً عواید قابل توجهی (بالغ بر ۱۰۰ هزار واحد نروژی) به دنبال داشته، گردیده و مورد مجازات هم قرار گرفته است (Jacobsen & Sandvik, 2015: 83-162).

۲-۱-۲. مؤلفه مفروضات قانونی

مؤلفه دوم، مفروضات قانونی است. این مؤلفه بدین شرح است که پس از اثبات مؤلفه سبک زندگی مجرمانه و ارتکاب جرایم منشأ خاص توسط متهم، در جهت تعیین دامنه اموال موضوع مصادره دادگاه می‌بایست فرض کند که:

نخست: هرگونه اموالی که از شش سال قبل از شروع فرایند رسیدگی به رفتار مجرمانه، به متهم منتقل شده است، موضوع مصادره مبسوط کیفری^۲ خواهد بود و

1. Crown Court.

۲. در ادامه تشریح می‌شود.

فرض می‌شود که از رفتار مجرمانه متهم تحصیل شده است

دوم: هر مال یا منفعتی که متهم بعد از محکومیت به جرایم منشأ خاص (جرایم سبک زندگی) تحصیل کرده باشد یا در اختیار داشته باشد، به‌عنوان مال موضوع مصادره شناخته شده و فرض می‌شود که از رفتار مجرمانه وی تحصیل شده است.

سوم: هر نوع هزینه و مخارجی که متهم از شش سال قبل از شروع فرایند رسیدگی به جرایم منشأ خاص (جرایم سبک زندگی) انجام داده باشد، به‌عنوان مال موضوع مصادره شناخته شده و فرض می‌شود که از رفتار مجرمانه وی تحصیل شده است.

چهارم: در خصوص همه اموال و منافع مذکور فرض می‌گردد که هیچ شخصی در آن اموال دخیل نیست و تنها متهم صاحب آنهاست. به عبارتی، فرض بر آن است که مال از آن خود متهم است و به شخص ثالث تعلق ندارد (18: 2012, FATF). نظام حقوقی انگلستان نیز شبیه به همین مؤلفه را در مصادره مبسوط کیفری^۱ خود اتخاذ نموده و زمان‌های ۶ ساله برای محاسبه اموال موضوع مصادره در نظر گرفته است (Part 10(5) of the Proceeds of Crime Act 2002; دلیر، ۱۳۸۶: ۹۴).

دادگاه حقوق بشر اروپا در خصوص نسبت مفروضات قانونی با اماره بی‌گناهی و اصل برائت بیان داشته که هدف از مفروضات در مصادره مبسوط کیفری،^۲ محکومیت یا تبرئه متهم از یک جرم نیست؛ بلکه هدف این است که از طریق مفروضات مذکور، دادگاه داخلی قادر گردد میزان صدور حکم محکومیت را تعیین نماید. در واقع، پس از اینکه از طریق انجام جرایم سبک زندگی، مجرم بودن وی احراز شد، جهت تعیین میزان مجازات، مفروضات قانونی برای وی در نظر گرفته می‌شود. از این رو، این مفروضات با اماره مجرمیت در تعارض نیست؛ زیرا هدف از مفروضات قانونی، اثبات مجرمیت برای وی نیست؛ بلکه پس از اثبات مجرم بودن وی به جرایم منشأ خاص، جهت تعیین میزان مصادره اموال، مفروضات مورد بحث به اجرا درمی‌آید (Para. 35, Appl. No. 41087/98, Judgment of 5 July 2001).

۱. در ادامه تشریح می‌شود.

۲. در ادامه توصیف می‌شود.

۲-۱-۳. مؤلفه ادله اثباتی مخففه

«استاندارد فرای ظن معقولانه»^۱ به‌عنوان مبنای اثبات جرایم در حقوق کیفری و مبنای نقض اصل برائت در نظام‌های کیفری شناخته شده است. این معیار به‌عنوان بالاترین معیار و استاندارد برای اثبات دعوی کیفری است. در مقابل این شیوه اثباتی، یکی از ادله اثباتی مخففه، اثبات ادعا مبتنی بر توازن احتمالات^۲ است. بر اساس این شیوه اثباتی، اثبات مدعا بر اساس احتمال بیشتر انجام می‌شود؛ هرچند که احتمال خلاف به‌صورت کامل برطرف نمی‌شود. این شیوه اثباتی غالباً در دعاوی مدنی به کار گرفته می‌شود؛ با این حال، گروه ویژه اقدام مالی، توازن احتمالات را به‌عنوان یکی از شیوه‌های اثباتی مخففه برای مصادره مبسوط، اعم از مصادره مبسوط مدنی و کیفری^۳ تجویز نموده است. لذا این شیوه اثباتی در موضوعات کیفری، مثل مصادره مبسوط کیفری نیز به کار گرفته می‌شود. گروه ویژه مورد بحث، در سند راهنمایی قضات و دادستان‌ها^۴ تصریح داشته اگر توازن احتمالات جهت بار اثبات برای مصادره مبسوط به کار گرفته شود، می‌تواند کارآمدی بیشتری را در پی داشته باشد. در این راستا، دادستان می‌بایست بر اساس توازن احتمالات نشان دهد که اموال به طریق نامشروع تحصیل شده است و لازم نیست که بر اساس معیار کامل کیفری یعنی «فرای ظن معقولانه» برای نامشروع بودن اموال موضوع مصادره، دلیل اقامه کند. در مقابل، متهم نیز باید طبق «اصل برابری سلاح‌ها» در دعاوی، مبتنی بر توازن احتمالات ثابت کند که اموال در مظان اتهام، منشأ قانونی دارد (8: 2012; FATF, 2018: 59). «اصل برابری سلاح‌ها» به این معناست که هریک از طرف‌های دعوی باید بتواند ادعای خود را در شرایطی مطرح سازد که او را نسبت به طرف مقابل خود در وضعیت نامناسب‌تری قرار ندهد. از این رو، هر دو طرف از حق داشتن وکیل، دسترسی به پرونده، استماع بیانات و... برخوردارند (توسلی نائینی، خسروشاهی و نصراللهی، ۱۳۹۵: ۷۰).

1. Beyond reasonable doubt.
2. Balance of probabilities.

۳. در ادامه، ذیل عنوان «انواع مصادره مبسوط» تشریح می‌شود.

4. FATF, President's paper: Anti-money laundering and counter terrorist financing for judges and prosecutors.

توازن احتمالات در مصادره مبسوط بدین صورت است که اگر از اوضاع و احوال و شرایط، احتمال منتفع شدن متهم از رفتار جزایی، بیشتر از احتمال عدم انتفاع وی باشد، فرض می‌شود که وی از رفتار جزایی منتفع شده است و این به‌عنوان یک روش اثباتی در قیاس با ادله اثبات کیفری - که به «ادله فرای ظن معقولانه» تعبیر می‌شود، از ارزش اثباتی خفیف‌تری برخوردار است.

در نظام حقوقی انگلستان نیز در گفتار ۶(۷) قانون عواید حاصل از جرم ۲۰۰۲، مقرر شده که دادگاه در خصوص مصادره مبسوط می‌بایست مبتنی بر توازن احتمالات تصمیم بگیرد. این بدان معناست که دادستان باید ادله لازم را ارائه دهد تا برای قاضی اثبات نماید احتمال اینکه دارایی مورد نظر، ناشی از فعالیت‌های غیرقانونی باشد، بیشتر است. سپس بار اثبات بر متهم تحمیل می‌شود و وی باید مشروع بودن اموال خود را مبتنی بر توازن احتمالات اثبات نماید تا قاضی مبتنی بر ادله ارائه‌شده، به ادعایی که احتمال بیشتر به درست بودن آن هست، حکم دهد (Part 6(7) of the Proceeds of Crime Act 2002).

در نظام حقوقی ایتالیا نیز در موضوع مصادره مبسوط، توازن احتمالات به‌عنوان مبنای اثباتی پذیرفته شده است و لازم نیست که اسناداردهای اثباتی کیفری «فراتر از شک معقول (منطقی)» وجود داشته باشد. در واقع، اجرای مصادره مبتنی بر امارات قابل رد انجام می‌شود که آن امارات دلالت دارد بر اینکه اموال غیرقانونی با درآمد یا فعالیت اقتصادی نگهدارنده (متصرف) مال متناسب نیست. لذا این احتمال تقویت می‌گردد که اموال منشأ غیر قانونی دارد (Milone, 2017: 150-170).

۲-۱-۴. مؤلفه انقلاب دعوی

در فرایند عادی، اصل بر مشروع بودن اموال است و دادستان باید نامشروع بودن اموال متعلق به متهم را اثبات کند؛ اما در موضوع مورد بحث، مسئله عکس شده و متهم باید مشروع بودن منشأ اموال خود را مبتنی بر توازن احتمالات اثبات نماید.

مجربان سازمان یافته با توسل به اصول سنتی حقوق کیفری، مثل اصل برائت، اصل عدم، اصل صحت معاملات و نیز اماره ید، به دفاع از مشروعیت اموال خود می‌پردازند و از این طریق، حکم دستگاه قضایی را نیز موجبی برای مشروع اثبات کردن اموال خود

قلمداد می‌کنند. با مؤلفه انقلاب دعوی در مصادره مبسوط، و ترجیح منفعت عمومی بر منفعت شخصی افراد، منشأ مجرمانه عواید حاصل از جرایم سازمان‌یافته - که به دلیل فراملی بودن بخش‌های متعدد رفتار مجرمانه توسط مجرمان فراملی غیرقابل کشف بود-، از طریق پرسش از منشأ اموال و عواید کشف گردید.^۱

در خصوص مؤلفه چهارم (انقلاب دعوی) باید گفت پس از اینکه امارات، اوضاع، احوال و شرایط از جمله سبک زندگی مجرمانه و وجود جرایم منشأ خاص (مؤلفه سبک زندگی مجرمانه) دلالت بر منشأ غیرقانونی اموال فرد نماید، بار اثبات منقلب شده و فرض می‌شود که اموال متهم نامشروع است و وی باید مبتنی بر توازن احتمالات، مشروع بودن اموال موضوع مصادره مبسوط را اثبات نماید (FATF, 2012: 18). گروه ویژه اقدام مالی در توصیه شماره ۴ خود نیز کشورها را به اتخاذ تدابیری مبنی بر الزام متهم به اثبات نمودن منشأ قانونی اموالی که در مظان اتهام و موضوع مصادره مبسوط قرار گرفته است، توصیه نموده است (FATF, 2012-2018: 10). در قانون کیفری فنلاند نیز تصریح شده که دادستان باید اثبات نماید که اوضاع و احوال و شرایط و الگوی رفتاری متهم، این احتمال را بیشتر تقویت می‌کند که عواید و اموال متهم دارای منشأ مجرمانه است و پس از این، بار اثبات منقلب می‌گردد. جهت ممانعت از مصادره، متهم باید اثبات نماید که دارایی‌ها منشأ مشروع دارند (Chapter 10 Section 9 Subsection 4 of the Finnish Criminal Code).

۲-۲. انواع مصادره مبسوط از نظرگاه گروه ویژه اقدام مالی

مؤلفه‌های چهارگانه مذکور در گفتار قبل، بسته به نوع مصادره می‌تواند متفاوت باشد. مصادره مبسوط به سه نوع مصادره مبسوط کیفری، مصادره مبسوط مدنی و مصادره مبسوط اداری تقسیم شده است که در عین شباهت، افتراقاتی نیز با هم دارند. در ادامه به تشریح آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۲-۲-۱. مصادره مبسوط کیفری

در این نوع مصادره، همه چهار مؤلفه مصادره مبسوط وجود دارد. فرد متهم می‌بایست

۱. این موضوعات در فصل نخست این پژوهش، ذیل موضوع «مبانی نظام مصادره مبسوط» تشریح شدند.

دارای سبک زندگی مجرمانه باشد و با ارتکاب یکی از جرایم منشأ خاص (جرایم سبک زندگی)، تحقیقات مالی و جمع‌آوری امارات مبنی بر نامشروع بودن اموال متهم انجام شده، از این طریق آن اموال می‌تواند در دامنه مصادره مبسوط کیفری وارد شود و بر اساس توازن احتمالات فرض می‌شود که متهم دارای اموال موضوع مصادره مبسوط است و وی باید مشروع بودن اموال خود را اثبات نماید. ارتکاب جرایم منشأ خاص (جرایم سبک زندگی) و محکومیت متهم به جرایم منشأ خاص (جرایم سبک زندگی)، شرط لازم و حیاتی برای تحقق عنوان مصادره مبسوط کیفری است. همین شرط، مهم‌ترین وجه افتراق این نوع مصادره با مصادره مبسوط مدنی است. بنابراین مصادره مبسوط کیفری، یک تدبیر بازبایی اموال است که عواید حاصل از جرم، مرتبط با جرم و نیز دارایی‌های در مظان اتهام را هدف قرار می‌دهد و نمی‌تواند در نبود محکومیت کیفری به اجرا درآید (Milone, 2017: 150-170). این محکومیت کیفری، موجبی برای مصادره اموال در مظان اتهام است. در مصادره مبسوط کیفری با وجود سبک زندگی مجرمانه، بدون نیاز به اثبات رابطه منشأ مجرمانه جرم با اموال، مصادره اموال مرتبط با جرم ممکن می‌گردد؛ بدین صورت که اگر مضمونی مرتکب جرایم منشأ خاص جهت منافع مالی گردد و تحقیقات مالی و امارات و دلایل تحصیل شده (مؤلفه سبک زندگی مجرمانه)، احتمال نامشروع بودن اموال متهم را بیشتر تقویت کند، بار اثبات منقلب شده و متهم می‌بایست مشروع بودن منشأ اموال خود را اثبات نماید و آن بخش از اموالی که منشأ مشروع آن‌ها توسط متهم اثبات نگردد، به‌عنوان مجازات تحت عنوان مصادره مبسوط کیفری مصادره می‌گردد و فرد نیز مجرم محسوب می‌شود (Thunberg Schunke, 2017: 3-4).

در واقع پس از اینکه متهم به جرایم منشأ خاص محکوم گردد و با احراز شرایط لازم دیگر، مؤلفه سبک زندگی مجرمانه برای متهم احراز می‌شود. حال با وجود دیگر مؤلفه‌ها، مصادره مبسوط کیفری به‌عنوان مجازات برای متهم در نظر گرفته می‌شود. برخلاف مصادره مبسوط مدنی، که در قبال الگوی رفتاری مجرمانه^۱ بدون احراز جرم خاصی برای متهم، حکم به مصادره مبسوط صادر می‌شود و متهم به‌عنوان مجرم

محسوب نمی‌شود^۱ (Ibid.).

گروه ویژه اقدام مالی در «سند عملکردهای بهینه در خصوص مصادره اموال»، این نوع مصادره را تشریح نموده است (FATF, 2012: 7). در سوئد در سال ۲۰۱۶، مقررات حوزه مصادره مبسوط کیفری در فصل ۳۶ قانون کیفری سوئد تقنین یافته است (Sweden, Penal Code, Chapter 36.1962). در نظام حقوقی دانمارک، مقررات بحث مصادره مبسوط کیفری در فصل ۹، بخش ۱۷۶ الف قانون مجازات دانمارک تدوین شده است (Danmarks borgerliga 1930). در ایتالیا، مقررات موضوع مصادره مبسوط کیفری در قانون مقررات مافیایی مصوب ۲۰۱۱ (Italy, Codice Antimafia 2011) پیش‌بینی شده است.

۲-۲-۲. مصادره مبسوط مدنی

در کنار توسعه رژیم مصادره مبسوط کیفری، نظام مصادره مبتنی بر عدم محکومیت (مصادره مبسوط مدنی)^۲ نیز ظهور نمود. این نظام جواز مصادره اموال بدون محکومیت قبلی کیفری فرد را در دادگاه فراهم می‌کند. این اقدام مستقیماً علیه فرد اتخاذ نمی‌شود؛ بلکه «علیه اموال بما هو اموال»^۳ اعمال می‌گردد (برای مطالعه بیشتر درباره این نوع از رسیدگی مدنی یا مصادره بدون محکومیت کیفری که بدان مصادره مدنی نیز می‌گویند، رک: Cassella, 2008: 8-14; Alagna, 2015: 47-64). فرایند رسیدگی آن به «دادرسی ناظر به اموال»^۴ شناخته می‌شود که مستقیماً در خصوص مالی مشخص انجام می‌شود و در مقابل «دادرسی ناظر به شخص»^۵ قرار دارد (Johansen, 2011: 152-161). بنابراین مصادره مبسوط کیفری در دادرسی ناظر به شخص دسته‌بندی می‌شود و مصادره مبسوط مدنی در دادرسی ناظر به اموال قرار می‌گیرد. مصادره مبسوط مدنی (مصادره بدون محکومیت کیفری)، یکی از انواع مصادره مبسوط است که برای مصادره اموال،

۱. در ادامه، ذیل عنوان «مصادره مبسوط مدنی» تشریح می‌گردد.

2. Confiscation based on non-conviction (extended civil confiscation).

۳. دادخواست اگر فقط علیه اموال طرح شود، در اصطلاح بدان "in rem" و اگر علیه شخص طرح شود، در اصطلاح بدان "in personam" گفته می‌شود.

4. In rem proceedings.

5. In personam proceedings.

نیازی به محکومیت قبلی متهم نیست. از این حیث، این نوع مصادره حتی در صورت براءت متهم نیز متصور است. بنابراین به عکس مصادره مبسوط کیفری، که ارتکاب و اثبات و محکومیت به جرایم منشأ مشخص (جرایم سبک زندگی) برای مجازات مصادره مبسوط کیفری ضروری بود، در مصادره مبسوط مدنی، الگوی رفتاری مجرمانه^۱ موجبی برای محرومیت و محدودیت افراد از حق مالکیت آنها می‌گردد. به عبارتی دیگر، چنانچه فردی دارای الگوی رفتاری مجرمانه باشد، اموال وی می‌تواند موضوع مصادره مبسوط مدنی قرار گیرد و در صورت عدم موفقیت فرد در اثبات مشروعیت منشأ اموال مذکور، آن اموال ذیل عنوان مصادره مبسوط مدنی مصادره می‌گردند و فرد مجرم محسوب نمی‌شود. از این رو، این نوع مصادره یک نوع محدودیت بر حق مالکیت افراد است؛ زیرا افراد موظف می‌شوند به دلیل الگوی رفتاری مجرمانه، مشروع بودن اموال خود را اثبات کنند. این محدودیت بر حق مالکیت افراد، به دلیل منفعت عمومی جامعه اعمال می‌شود و بر اماره تصرف (اماره ید) مقدم می‌گردد (Thunberg Schunke, 2017: 78-89). در واقع، دولت به دلیل حفظ منفعت عمومی و ممانعت از آثار زیانبار عواید مجرمانه، بر حق مالکیت افراد محدودیت اعمال می‌کند و افرادی که دارای الگوی رفتاری مجرمانه هستند، اثبات مشروعیت اموالشان را بر آنها تحمیل می‌نماید. دادگاه حقوق بشر اروپایی، مصادره مبسوط مدنی را واکنش مناسب به جهت حفظ منفعت عمومی در قبال جرایم سازمان‌یافته و آثار خطرناکی که عواید مجرمانه حاصل از جرایم مذکور می‌تواند برای جامعه داشته باشد، می‌داند (Ibid.).

در اجرای مصادره مبسوط مدنی، نیاز به اثبات رابطه بین آنچه موضوع مصادره واقع می‌شود و آنچه موضوع جرم منشأ واقع می‌شود، کاهش یافته است و لازم نیست اثبات شود که این مال از آن جرم خاص تحصیل شده است؛ بلکه حتی لازم نیست که جرایم منشأ خاص برای متهم به اثبات برسد و فقط کافی است که از اوضاع و احوال و شرایط موجود، نوعی الگوی رفتاری مجرمانه برای متهم استنباط گردد، به نحوی که این احتمال که اموال متهم از رفتار مجرمانه تحصیل شده است، بیش از احتمال تحصیل آنها

1. Pattern of criminal behavior.

از طریق مشروع باشد. این الگوی رفتاری مجرمانه موجبی برای نامشروع فرض کردن اموال متهم به حساب می‌آید (Bought, 2017: 27-28). به‌عنوان مثال، شخصی که با وجود شغل خاص کارمندی، دارای نفیس‌ترین ماشین در فاصله زمانی ۲ ساله از اولین حقوق خود و بدون هیچ سند مالیاتی در سامانه‌های مالی است و همچنین ارتباطات گسترده از جمله مراودات مالی از طریق حساب‌های بانکی با گروه قاچاقچیان مواد مخدر، در مورد وی اثبات گردد، همین کافی است که این فرد دارای الگوی رفتاری مجرمانه به حساب آید و اموال وی نامشروع فرض گردد. حال بار اثبات منقلب شده و میزان اموالی که مشروعیت آن‌ها به اثبات نرسیده، ذیل عنوان مصادره مبسوط مدنی، مصادره می‌شود؛ هرچند که وی مجرم محسوب نمی‌شود و برای مجرم محسوب شدن وی باید ادله «فرای ظن معقولانه» نزد دادگاه اقامه گردد. از این روست که مصادره مبسوط مدنی در شرایطی که متهم حتی تبرئه می‌شود نیز صادر می‌گردد (Milone, 2017: 150-170). دادستان با ارائه شواهد، مدارک و قرائن، حالت و شرایطی را توصیف و اثبات می‌نماید که این فرضیه را به ذهن متبادر نماید که اموال مورد نظر تنها از طریق جرم می‌تواند تحصیل شده باشد و امکان مخدوش کردن آن فرضیه بسیار دشوار است. این، همان الگوی رفتاری مجرمانه است که در این حالت لازم نیست مشخص نماید که اموال مورد بحث، دقیقاً از کدام عنوان مجرمانه خاص مثل قاچاق مواد مخدر، کلاهبرداری یا خیانت در امانت تحصیل شده است؛ بلکه ادله باید به گونه‌ای ارائه شود تا دادگاه قانع گردد که مال از طریق الگوی رفتاری مجرمانه و نامشروع حاصل شده است، نه اینکه لازم باشد ادله کافی جهت اثبات عنوان خاص مجرمانه، مثل قاچاق مواد مخدر یا کلاهبرداری را ارائه نماید (Ibid.).

پس از اثبات الگوی رفتاری مجرمانه برای متهم، و نامشروع فرض شدن اموال وی، چنانچه وی نتواند مشروع بودن اموال خود را اثبات نماید، اموالش موضوع مصادره مبسوط مدنی قرار می‌گیرد، هرچند وی مجرم محسوب نمی‌شود؛ برعکس مصادره مبسوط کیفری که ابتدا دادستان می‌بایست ارتکاب جرایم معین و خاص را برای متهم به اثبات برساند و سپس با وجود دیگر مؤلفه‌ها، وی مجرم محسوب شده و به‌عنوان مجازات، به مصادره اموال مبسوط کیفری محکوم می‌گردد (Thunberg Schunke, 2017: 4-5).

در مصادره مبسوط کیفری، مؤلفه سبک زندگی مجرمانه و نیز جرایم منشأ خاص برای مجازات محسوب کردن مصادره و نیز مجرم دانستن متهم لازم است. اما در مصادره مبسوط مدنی، الگوی رفتاری مجرمانه برای مصادره لازم است؛ افزون بر اینکه این الگوی رفتاری مجرمانه اگرچه موجبی برای مصادره اموال وی محسوب می‌شود، اما وی مجرم به حساب نمی‌آید. از این رو، وجه اشتراک مصادره مبسوط کیفری با مصادره بدون محکومیت کیفری (مصادره مبسوط مدنی) در این است که در هر دو نوع مصادره، ممانعت مجرم از دارا شدن عواید مجرمانه از طریق ادله اثباتی مخففه و انقلاب دعوی دنبال می‌شود و وجه افتراق آن‌ها در الگوی رفتاری مجرمانه به جای سبک زندگی مجرمانه و جرایم منشأ خاص می‌باشد. به علاوه، مصادره مبسوط کیفری ناظر به شخص است، اما مصادره مبسوط مدنی ناظر به مال است؛ از این رو در مصادره مبسوط کیفری، فرد مجرم محسوب می‌شود، اما در مصادره مبسوط مدنی، وی مجرم محسوب نمی‌شود و حتی در فرض براءت نیز مصادره مبسوط مدنی متصور است (Boucht, 2017: 2).

توصیه شماره ۴ گروه ویژه اقدام مالی، کشورها را به اتخاذ اقداماتی فراخوانده است که اجازه می‌دهند بدون نیاز به محکومیت کیفری (مبتنی بر مصادره فاقد محکومیت) بتوان اموال مظنون به نامشروع بودن را مصادره کرد. همچنین در توصیه شماره ۳۸، کشورها را به داشتن اختیاراتی در پاسخ دادن به درخواست مبتنی بر مصادره اموال بدون محکومیت و اقدامات موقت مثل ضبط و توقیف اموال الزام کرده است (FATF, 2012-2018: 9, 26-27).

در بخش پنجم، ششم و فصل سوم بخش پنجم قانون عواید حاصل از جرم ۲۰۰۲ انگلستان، نظام مصادره مبسوط مدنی تشریح شده است (Proceeds of Crime Act 2002). مصادره مبسوط مدنی، این امکان را فراهم می‌نماید که اموال به دست آمده از طریق رفتار غیرقانونی مصادره گردد؛ هرچند که امکان اثبات جرایم منشأ خاص (جرایم سبک زندگی) توسط متهم فراهم نشود (Johansen, 2011: 152-161).

در کشور ایرلند^۱ مصادره بدون محکومیت کیفری یا مصادره مبسوط مدنی در دو قانون عواید حاصل از جرم ۱۹۹۶- که توسط قانون عواید حاصل از جرم ۲۰۰۵ و قانون عواید حاصل از جرم ۲۰۱۶ ایرلند اصلاح شده است- و قانون اداره دارایی‌های کیفری ۱۹۹۶، تقنین شده است.^۲

۲-۲-۳. مصادره مبسوط اداری

علاوه بر دو نوع مذکور، مصادره اداری نیز از دیگر انواع مصادره مبسوط است. در این نوع مصادره برخلاف مصادره کیفری و مصادره بدون محکومیت کیفری، که نیازمند حکم و فرآیند قضایی و وجود دادگاه بود، مصادره اداری معمولاً شامل سازوکار غیرقضایی می‌شود و توسط نهادهای مجری مانند واحد پلیس یا دیگر نهادهای مجری قانون انجام می‌شود. در این نوع مصادره، نهادهای قضایی و تعقیبی (دادستان و بازپرس) دخالتی ندارند و محدود به دارایی‌های کم‌ارزش یا دسته‌ای از دارایی‌های خاص است (Brun et al., 2021: 14). در سند راهنمای قضات و دادستان‌های گروه ویژه اقدام مالی نیز این نوع مصادره برای انواع خاصی از دارایی‌ها، برای مثال دارایی‌های با ارزش مشخص یا وجوه نقدی که در مرز توقیف شده‌اند، تجویز شده است. اموالی که مورد انکار و ادعای معارض واقع نشود، توسط اختطاریه اداری می‌تواند مصادره شود و چنانچه انکار گردد و مورد ادعای معارض واقع شود، در دادرسی حقوقی از طریق مصادره مبسوط مدنی می‌تواند مورد رسیدگی قرار گیرد. استانداردهای لازم جهت اثبات در چنین مواردی در سطح سبک‌تر و خفیف‌تر مثل توازن احتمالات قرار دارد (FATF, 2018: 54). در این نوع مصادره، دو مؤلفه ادله اثباتی مخففه و انقلاب دعوی در کنار اعراض متهم از مال موضوع اتهام، مصادره مبسوط اداری را محقق می‌سازند.

۱. در صفحه ۵۳ سند راهنمای قضات و دادستان‌های گروه ویژه اقدام مالی، از کشور ایرلند به‌عنوان کشور سرآمد در بحث مصادره بدون محکومیت کیفری (مصادره مبسوط مدنی) نام برده شده است.
2. The Proceeds of Crime Act 1996 (PoCA 1996), as amended by the Proceeds of Crime (Amendment) Act 2005 (PoCA 2005) and the Proceeds of Crime (Amendment) Act 2016 (PoCA 2016), the Criminal Assets Bureau (CAB) Act 1996.

در آمریکا، این نوع مصادره در پرونده‌های توافقی (بدون معارض)^۱ و توسط نهاد مجری قانون فدرالی، به‌عنوان یک موضوع اداری بدون دخالت دادگاه و دادستان انجام می‌شود. اکثریت مصادره‌های فدرالی از نوع مصادره اداری هستند؛ چراکه فرایندهای رسیدگی مصادره اداری، توافقی^۲ است. اساساً مصادره اداری برای نهادهای مجری قانون به‌صورت خاص با توجه به موضوع در حیطه وظیفه آن‌ها تعیین شده است؛ برای مثال، اداره اجرای مواد مخدر در خصوص پرونده‌های مواد مخدر، و اداره فدرالی تحقیقاتی در خصوص پرونده‌های کلاهبرداری، مصادره اداری را اجرا می‌کنند. مصادره اداری زمانی آغاز می‌شود که یک نهاد مجری فدرالی با توجه به اختیاراتی که در حیطه وظایف آن‌ها تعریف شده است، اموال کشف‌شده در جریان تحقیقات را توقیف نماید، سپس نهاد مجری قانون (مثل پلیس)، فرایند مصادره اداری را از طریق فرستادن اخطاریه (مبنی بر علت مصادره مال مورد نظر) به شخص ذی‌نفع بالقوه که می‌تواند بدان اعتراض کند، و همچنین چاپ یک اخطاریه در روزنامه، شروع می‌کند (The Civil Asset Forfeiture Reform Act 2000, 27 Notre Dame J. Legis. 97; Code of Laws of the United States of America 18. 981(b)).

در اخطاریه بیان می‌شود: «مال مورد نظر توقیف شده است و قصد مصادره آن به نفع دولت آمریکا وجود دارد. هرکس بدان اعتراض دارد، مخالفت خود را تا تاریخ مشخص اظهار نماید، والا همیشه باید از حق خود صرف‌نظر و سکوت نماید». اگر هیچ شخصی در مدت مشخص شده اعتراض نکرد، این اعلامیه در حکم دستور قضایی دادگاه بوده و مال به نفع دولت مصادره می‌شود (Ibid.). بنابراین مصادره مبسوط اداری، در واقع یک اقدام قضایی نیست؛ بلکه بیشتر یک «اعراض از مال»^۳ است (Young, 2009: 37-39).

۱. Uncontested: پرونده‌هایی که در آن اعتراض و ادعایی معارض با توقیف و مصادره شدن وجود ندارد.

2. Uncontested.

3. Abandonment.

۳. انعکاس و الزامات تطبیق مؤلفه‌های نظام مصادره مبسوط در حقوق

ایران با توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی

مؤلفه‌های نظام مصادره مبسوط که منجر به بسط مصادره اموال می‌شوند، عبارت‌اند از: جرایم منشأ خاص (مؤلفه سبک زندگی مجرمانه)، مفروضات قانونی، ادله اثباتی مخففه و انقلاب دعوی. در نظام حقوقی ایران، همه انواع مصادره مبسوط از جمله مصادره مبسوط کیفری و مصادره اداری، با همه مؤلفه‌های آن پیش‌بینی نشده است. با وجود این، در بخش‌هایی از کنوانسیون‌های بین‌المللی که جمهوری اسلامی ایران بدان پیوسته و بخش‌هایی از قوانین داخلی، برخی از مؤلفه‌های نظام مصادره مبسوط قابل مشاهده است که به فراخور بحث در ذیل دو گفتار مقررات بین‌المللی و قوانین و مقررات داخلی بیان می‌گردد.

۳-۱. مقررات بین‌المللی

برابر ماده ۹ قانون مدنی، مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دولت‌ها منعقد شده باشد، در حکم قانون است. از این حیث، معاهدات بین‌المللی که روند قانونگذاری و تصویب را طی کرده و پس از تأیید شورای نگهبان توسط رئیس جمهور امضا شده است، ارزشی معادل قانون داخلی مصوب مجلس را دارد و در محاکم قابل استناد است. از این رو، دو کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان و کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مریدا)، در ادامه، از منظر مؤلفه‌های مصادره مبسوط تبیین می‌شوند.

۳-۱-۱. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای

روانگردان

قانون الحاق به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان در تاریخ ۱۳۷۰/۰۹/۰۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. بند ۷ ماده ۵ کنوانسیون مذکور تصریح داشته که هریک از اعضا می‌تواند ترتیباتی فراهم نماید که بار اثبات دلیل در رابطه با منشأ قانونی عواید و یا سایر اموال ادعایی

در معرض ضبط، به میزانی که چنین اقداماتی با اصول حقوق داخلی و طبع تشریفات قضایی و غیر آن در انطباق می‌باشد، معکوس گردد. در این کنوانسیون، مؤلفه انقلاب دعوی مصادره مبسوط مورد اشاره قرار گرفته است.

۳-۱-۲. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مریدا)

قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مریدا) در تاریخ ۱۳۸۷/۰۷/۲۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

در فصل سوم کنوانسیون مذکور، ذیل عنوان «جرم‌انگاری و اجرای قانون»، جرایم موضوع بحث این کنوانسیون به شرح زیر برشمرده شده است: ارتشاء مقامات دولتی و داخلی و خارجی و مقام‌های سازمان‌های عمومی بین‌المللی، حیف و میل، اختلاس و استفاده غیرمجاز از اموال توسط مقام‌های دولتی، اعمال نفوذ در معاملات، سوءاستفاده از وظایف و جایگاه، دارا شدن من‌غیرحق، ارتشاء در بخش خصوصی، اختلاس اموال در بخش خصوصی، تطهیر عواید ناشی از جرم، اختلاس اموال موضوع جرایم این قانون، ممانعت از اجرای عدالت. این دسته از جرایم می‌توانند به‌عنوان مؤلفه جرایم منشأ خاص (مؤلفه سبک زندگی مجرمانه) در نظام مصادره مبسوط کیفری شناخته شوند.

مؤلفه انقلاب دعوی در بند ۸ ماده ۳۱ کنوانسیون مذکور مورد توجه قرار گرفته و بیان شده که کشورهای عضو می‌توانند در صورت عدم مخالفت با اصول اساسی قوانین ملی، مجرم را به قانونی بودن منشأ اموال و عواید خود ملزم نمایند. در این کنوانسیون نیز دو مؤلفه جرایم منشأ خاص (مؤلفه سبک زندگی مجرمانه) و انقلاب دعوی بیان شده است.

کنوانسیون‌های مورد بحث در خصوص سؤالات زیر ساکت‌اند: اینکه این مصادره در کدام دادگاه انجام می‌شود؟ با چه نوع ادله اثباتی به اثبات می‌رسد؟ نقش مجریان قانون و مقامات قضایی با توجه به نوع مصادره چگونه تعریف می‌شود؟

بنابراین اگرچه در این دو کنوانسیون، دو مؤلفه از نظام مصادره مبسوط بیان شده است، اما اکتفا به کنوانسیون‌های فوق نمی‌تواند به کارآمدی نظام کیفری در مقابله با جرایم

سازمان یافته و کلان اقتصادی بینجامد؛ زیرا نقش کنوانسیون، طراحی نظام داخلی نخواهد بود، بلکه قوانین داخلی چگونگی اجرایی سازی آن‌ها را مشخص می‌نمایند و دولت‌ها از طریق تصویب قوانین داخلی پایبندی خود را به آن‌ها نشان می‌دهند. از این رو لازم است که قانونگذار همانند کشورهای پیشرو در این عرصه، در جهت انطباق بیشتر با استانداردهای گروه ویژه اقدام مالی، به تدوین انواع مصادره و چگونگی اجرای آن‌ها در قوانین داخلی پردازد تا بتواند به هدف کنوانسیون‌های مذکور جامه عمل بپوشاند.

۲-۳. قوانین و مقررات داخلی

در قوانین داخلی، مؤلفه‌های انقلاب دعوی، ادله اثباتی مخففه مشاهده می‌شود که در ادامه به فراخور بحث، مستند به مقررات قانونی بیان می‌گردد.

۱-۲-۳. قانون مربوط به رسیدگی به داریی وزرا و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشکری و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها مصوب ۱۳۳۷

قبل از تصویب اصل ۱۴۲ قانون اساسی، لزوم مبارزه با فساد مالی مسئولان، سبب تصویب قانونی تحت عنوان «قانون مربوط به رسیدگی به داریی وزرا و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشکری و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها» توسط مجلس گردید و به قانون «از کجا آورده‌ای» شهرت یافت.

این قانون را می‌توان از نخستین قوانینی برشمرد که برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مصادره مبسوط از جمله تشریح طریق تحصیل مال از جانب مالک را که از لوازم انقلاب دعوی محسوب می‌شود، داراست. این قانون، افراد مشمول را مکلف به ارائه مستندات مشروعیت اموال و صورت اموال خود نموده^۱ و در ضمن آن‌ها را موظف به پاسخ‌دهی صادقانه به همه سؤالات کرده است^۲ و در صورت تنظیم کذب، نه تنها موجب انفصال از خدمت است، بلکه آن اموال به نفع دولت مصادره می‌گردد؛^۳

۱. «قانون مربوط به رسیدگی به داریی وزرا و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشکری و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها مصوب ۱۳۳۷»، مواد ۱-۳.

۲. همان: ماده ۵.

۳. همان: ماده ۴.

همچنین موجبی برای تعقیب کیفری محسوب می‌شود.^۱ در این قانون، دیگر اصل برائت برای فرد قابل تمسک نیست؛ لکن این قانون شیوه‌های اثباتی را شرح نداده است. در این قانون، طریق اثبات همان ادله کیفری است و محدوده آن صرفاً اموالی است که برخلاف واقع ابراز شده و یا کتمان گردیده و مشروعیت آن‌ها از جانب متهم اثبات نشده است؛ برخلاف نظام پیشنهادی گروه ویژه اقدام مالی که سبک زندگی مجرمانه و ارتکاب جرایم منشأ خاص (جرایم سبک زندگی) مثل قاچاق مواد مخدر و... موجبی برای در معرض اتهام قرار گرفتن همه اموال متهم محسوب می‌شود. البته تا حدودی در مقرر «قانون الحاق موادی به قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دستورالعمل اجرایی آن مصوب ۱۳۹۹» که عبارتاً اخراج قانون «از کجا آورده‌ای» پیش از انقلاب اسلامی است، اشکالات مذکور اصلاح شده است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود. بنابراین در این قانون، مصادره مبسوط کیفری و نیز مصادره مبسوط اداری تشریح نشده است، ضمن اینکه مصادره مبسوط مدنی نیز به صورت ناقص مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است؛ زیرا مؤلفه ادله اثباتی مخففه تعریف و تشریح نشده و دامنه اموال موضوع مصادره نیز محدود تعریف شده است.

۲-۲-۳. قانون اجرایی اصل ۴۹ قانون اساسی^۲ مصوب ۱۳۶۳ و دستورالعمل اجرایی آن مصوب ۱۳۶۴

در قانون مذکور، دادستان با توجه به دلایل و امارات موجود نسبت به اموال و دارایی‌های دسته‌ای از اشخاص دولتی و خصوصی که عنوان یا پستی خاص در دولت شاهنشاهی داشته‌اند، از دادگاه صالح تقاضای رسیدگی به نامشروع بودن و مصادره اموالشان می‌نماید^۳ در مقابل، آن‌ها نیز موظف‌اند که ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ

۱. همان: ماده ۶.

۲. اصل ۴۹ قانون اساسی: «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او، به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود».

۳. ماده ۵ قانون نحوه اعمال اصل ۴۹ قانون اساسی، افراد صاحب مناصب را برشمرده است.

دادگاه، صورت اموال و دارایی خود و خانواده تحت تکفلشان را به دادگاه تسلیم و رسید آن را دریافت دارند.^۱ دادگاه ضمن استماع ادله متهمان و بررسی ادله دادر،^۲ در صورت احراز نامشروع بودن اموال افراد مذکور، حکم به مصادره اموال می‌دهد. در این قانون نیز اگرچه اموال فرد به دلیل اماراتی که دادستان برای دادگاه اقامه می‌کند و باتوجه به مناصبی که امکان و ظن سوءاستفاده و فساد برای آن‌ها وجود دارد، در مظان مصادره به صورت مبسوط واقع می‌شود و از این حیث به نهاد مصادره مبسوط مدنی نزدیک می‌شود، اما اضافه بر اینکه وجود محکومیت و جرم موجب شرط نیست، بار اثبات نیز منقلب نشده و دادگاه باید احراز کند که مال از طریق نامشروع تحصیل شده است و مبتنی بر ظن قوی نمی‌تواند رأی صادر نماید. از این حیث به تصریح ماده ۴ دستورالعمل اجرایی قانون مذکور، دادر باید «زمان و مدت ارتکاب فعل حرام، منشأ دقیق دارایی موضوع قانون، روش و اسباب تحصیل، مقدار و مشخصات آن را به صورت دقیق و مستدل...» معلوم و همراه با کیفرخواست تقدیم دادگاه کند. همچنین به تصریح قانون اصل ۴۹ قانون اساسی: «... این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی... اجرا شود». بنابراین انقلاب بار دعوی در خصوص اموال متهمان منتفی است و حکم به مصادره متکی به احراز نامشروع بودن همه اموال موضوع مصادره است و اثبات آن بر عهده دادستان و دادر است و تنها محدود به جرایم موضوع رفتار نامشروع اثبات شده است. دعوی در پرونده‌های موضوع این قانون، ناظر به مال است نه شخص، و فرد می‌تواند به مصادره اموال محکوم گردد، اما مجرم شناخته نشود. نهاد مصادره در این قانون، از این منظر به مصادره مبسوط مدنی نیز نزدیک می‌گردد. بنابراین بسط و توسعه مصادره اموال که نتیجه مؤلفه‌های چهارگانه است، تنها موردی است که در این قانون قابل ملاحظه است. اما سایر مؤلفه‌ها از جمله مؤلفه انقلاب دعوی، مفروضات قانونی و جرایم منشأ خاص (مؤلفه سبک زندگی مجرمانه) که در مصادره مبسوط وجود دارد، در این قانون پیش‌بینی نشده است. از این رو، نظام مصادره مذکور در این قانون نیز تنها به صورت ناقص به مصادره مبسوط مدنی می‌تواند نزدیک باشد.

۱. ماده ۶ دستورالعمل اجرایی قانون اصل ۴۹ قانون اساسی.

۲. ماده ۴ دستورالعمل اجرایی قانون اصل ۴۹ قانون اساسی.

۳-۲-۳. قانون مبارزه با قاچاق مواد مخدر ۱۳۶۷ و ۱۳۷۶

در بند ۴ ماده ۴ و تبصره ماده ۴، بند ۴ ماده ۵، بند ۶ ماده ۸ و تبصره آن از قانون مبارزه با قاچاق مواد مخدر ۱۳۶۷، همین‌طور در بند ۴ ماده ۴ و تبصره ماده ۴، بندهای ۴ تا ۶ ماده ۵، ماده ۶، بند ۶ ماده ۸ و تبصره ۱ ماده ۸ از قانون مبارزه با قاچاق مواد مخدر ۱۳۷۶، عبارت «مصادره اموال به استثنای هزینه زندگی متعارف برای خانواده محکوم» تصریح شده است.^۱ در واقع، به دلیل مقدار مواد مخدر قاچاق شده و یا دفعات جرم ارتكابی، علاوه بر اموال مرتبط با جرم، همه اموال متهم با رعایت مستثنیات دین مصادره می‌شود. چنانچه مصادره همه اموال متهم به‌عنوان مجازاتی تفسیر شود که با توجه به اینکه وی حجم بالایی از مواد مخدر را دارا بوده، پس سبک زندگی مجرمانه داشته، لذا قانونگذار همه اموالش را مصادره کرده است، از این حیث شاید بتوان آن را نوعی مصادره ميسوط کيفری دانست. البته در این حالت نیز حتی اگر متهم بتواند اثبات کند که اموال مصادره شده، غیرمرتبط با جرم قاچاق مواد مخدر هستند و از طریق مشروع تحصیل شده‌اند، اموال مصادره می‌شود و در این حالت، مصادره شبیه مجازات جزای نقدی است که متهم می‌بایست مقداری وجه را هرچند که غیرمرتبط با جرم ارتكابی باشد، به‌عنوان مجازات پرداخت کند. بنابراین مصادره مذکور در این قوانین، تنها از جهت تسری به غیر اموال موضوع جرم اثبات شده در دادگاه کيفری و جرم منشأ خاص (جرائم سبک زندگی)، شبیه به مصادره ميسوط کيفری است؛ اگرچه همه مؤلفه‌های آن همچون ادله اثباتی مخففه و نیز انقلاب دعوی را دارا نیست.^۲

۱. برای نمونه قانونگذار در بند ۴ ماده ۴ قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۶۷ چنین تصریح کرده است: «۴- بیش از پنج کیلوگرم، اعدام و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم. تبصره- هرگاه محرز شود مرتکب جرم موضوع بند ۴ این ماده، برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آنها هم نشده است، دادگاه وی را به... و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده‌اش محکوم می‌نماید».

۲. در اصلاحیه ۱۳۸۹ بر قانون ۱۳۷۶ مبارزه با مواد مخدر، عبارت «مصادره اموال به استثنای هزینه زندگی متعارف برای خانواده محکوم»، جایگزین عبارت «مصادره اموال ناشی از همان جرم» گردید. از این حیث، مجازات کل اموال مرتکب از قانون قاچاق مواد مخدر حذف شد.

۳-۲-۴. قانون قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحیه ۱۴۰۰

در ماده ۲۱ قانون قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحیه ۱۴۰۰ تصریح شده

است:

«در صورتی که ارزش کالای قاچاق و یا ارز مکشوفه موضوع ماده ۱۸ این قانون، برابر تشخیص اولیه دستگاه کاشف، معادل پنجاه میلیون ریال یا کمتر باشد، با قید در صورت جلسه کشف به امضای متهم می‌رسد و در صورت استنکاف، مراتب در صورت جلسه کشف قید و حسب مورد، کالا ضبط و به همراه صورت جلسه به سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی تحویل می‌شود و ارز مکشوفه به حساب مشخص شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز و رونوشتی از اوراق به متهم ابلاغ می‌گردد».

در ماده ۱۸ قانون مذکور تصریح شده است:

«هر شخص که مرتکب قاچاق کالا و ارز و حمل و یا نگهداری آن شود، علاوه بر ضبط کالا یا ارز، به جریمه‌های نقدی زیر محکوم می‌شود: الف- کالای مجاز: جریمه نقدی یک تا دو برابر ارزش کالا؛ ب- کالای مجاز مشروط: جریمه نقدی معادل یک تا سه برابر ارزش کالا؛ پ- کالای یارانه‌ای: جریمه نقدی معادل دو تا چهار برابر ارزش کالا...».

در این ماده، اگرچه مصادره توسط نهاد غیرقضایی انجام می‌شود و از این حیث، شبیه به مصادره مبسوط اداری است، اما فاقد مؤلفه کاهش ارزش ادله اثباتی و نیز اعراض است؛ از این حیث نمی‌تواند مصداق «مصادره مبسوط اداری» محسوب شود.

۳-۲-۵. قانون الحاق موادی به قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران و دستورالعمل اجرایی آن مصوب ۱۳۹۹

در قانون الحاق موادی به قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ و نیز دستورالعمل اجرایی آن مصوب ۱۳۹۹، شیوه رسیدگی و استناد به ادله و بار اثبات، مبتنی بر نظام حاکم بر تبصره ۱ ماده ۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷^۱ انجام می‌شود و

۱. «تبصره ۱- مفاد تبصره ۱ ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن در رسیدگی به پرونده‌های موضوع این قانون رعایت می‌شود».

مصادره اموال موضوع این قانون به صورت مبسوط طراحی شده است. همچنین بار اثبات منقلب شده^۱ و ادله اثباتی از تحصیل علم، به ظن نزدیک به علم^۲ و نیز ظن قوی^۳ تخفیف یافته است.

به تصریح این قانون، جرایم منشأ خاص (مؤلفه سبک زندگی مجرمانه) و محکومیت به جرم خاص کیفری، لازمه و مقدمه مصادره مبسوط نیست.^۴ بنابراین می توان اذعان داشت که نظام مصادره مبسوط تدوین شده در قانون مورد بحث، نزدیک ترین نظام به مصادره مبسوط مدنی است. در این قانون، دلیل اثباتی مخففه، تعریف و معیار ملموس و عینی ندارد. این قانون، دو دلیل اثباتی مخففه را که شامل ظن قوی و ظن متأخم به علم می شود، ملاک انقلاب دعوی تعریف کرده است؛ حال آنکه نسبت این دو از حیث شباهت و افتراق مشخص نیست. همچنین اینکه متهم منبعث از اصل برابری سلاح ها، امکان اثبات مدعی خود را بر اساس دلیل اثباتی مخففه ظن قوی یا ظن متأخم به علم دارد یا خیر، نیز در این قانون مبهم گذاشته شده است و قانون ساکت است؛ حال آنکه به تصریح اسناد گروه ویژه اقدام مالی، متهم نیز مبتنی بر مؤلفه کاهش ادله اثباتی مثل «توازن احتمالات» به اثبات مدعی خود می پردازد.

۱. «تبصره ۲- در اجرای ماده ۱۸ و تبصره ۱ ماده ۱۹ قانون و لزوم رعایت احکام مرتبط در قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی و با لحاظ تبصره های ۱ و ۳ ماده ۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷، در صورتی که ظن قوی بر نامشروع بودن اموال وجود داشته باشد، اشخاص مشمول قانون مکلف اند با ارائه اسناد مثبت، مشروع بودن اموال خود را به اثبات برسانند».

بند چ ماده ۱ دستورالعمل: «چ- ظن قوی: عبارت است از ظن غالب و نزدیک به علم، به نحوی که احتمال خلاف آن اندک باشد و بر اساس دلایل قرائن و امارات به نحو متعارف حاصل شود».

۲. مستند به تبصره های ۱ و ۳ قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷.

۳. تبصره ۳ ماده ۱: «کلیه کسانی که به تشخیص دادستان موضوع ماده ۱۸ این قانون ظن قوی...، مشمول احکام این بخش هستند».

۴. ماده ۱۱ دستورالعمل: «رسیدگی به اموال موضوع قانون... تابع ترتیبات شناسایی و رسیدگی به جرایم نمی باشد». همچنین در ماده ۱۲ دستورالعمل تصریح شده است: «در صورتی که شخص مظنون به دارا بودن اموال موضوع قانون قبلاً متهم به ارتکاب جرمی بوده و پرونده اتهامی وی به صدور حکم برائت یا قرار منع یا موقوفی تعقیب منتهی شده باشد، این امر مانع شناسایی و رسیدگی به اموال وی نیست...».

۳-۲-۶. قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷

نزدیک‌ترین نظام مصادره به مصادره مبسوط کیفری در نظام حقوقی ایران را می‌توان نظام مصادرهٔ تدوین‌شده در سه تبصره ماده ۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ دانست. نظام مصادرهٔ تدوین‌شده در این قانون، نوعی مصادره مبسوط تدوین‌شده در دادگاه کیفری است و بر اساس رویه کیفری بدان رسیدگی می‌شود.^۱ با وجود این، نیاز محکومیت به جرم خاص به‌عنوان جرم موجب در آن پیش‌بینی نشده است؛ اما دیگر مؤلفه‌های مصادره مبسوط کیفری را داراست. چنانچه ظن نزدیک به علم، به عدم صحت معاملات و تحصیل اموال وجود داشته باشد، همه اموال موضوع ظن می‌تواند موضوع مصادره واقع گردد؛ مانند آنکه نوعاً با توجه به شرایط، امکان تحصیل آن میزان دارایی در یک زمان مشخص وجود نداشته باشد.^۲ در این صورت، بار دعوی منقلب شده و متهم می‌بایست اسناد مثبته مبنی بر مشروع بودن اموال موضوع مصادره را اقامه کند. عدم توانایی وی در اقامه دلیل، مصادره اموال، حبس^۳ و در مواردی مجازات جزای نقدی را برایش در پی خواهد داشت.^۴

۱. برخلاف نظام قانون الحاق به قانون اجرایی اصل ۴۹ صادره که رسیدگی طبق مقررات حقوقی و مدنی بدان انجام می‌شود.
۲. «تبصره ۱- هرگاه ظن نزدیک به علم به عدم صحت معاملات و تحصیل اموال وجود داشته باشد، مانند آنکه نوعاً و با توجه به شرایط، امکان تحصیل آن میزان دارایی در یک زمان مشخص وجود نداشته باشد، مسئولیت اثبات صحت آن‌ها بر عهده متصرف است. منظور از علم در این تبصره و تبصره ۳، همان است که در قانون مجازات اسلامی برای علم قاضی تعریف شده است».
۳. «تبصره ۳- چنانچه ظن نزدیک به علم بر تحصیل مال از طریق نامشروع وجود داشته باشد، در حکم مال نامشروع محسوب، و مرتکب در صورتی که مشمول مجازات شدیدتری نباشد، به حبس درجه شش محکوم می‌شود. در هر صورت، مال مزبور ضبط خواهد شد؛ مگر اینکه تحصیل مشروع آن اثبات شود».
۴. «تبصره ۲- دارا شدن اموال موضوع این قانون، منوط به ارائه اسناد مثبته می‌باشد. علاوه بر این، چنانچه ارزش اموال مزبور بیش از ده میلیارد ریال برای سال پایه و معادل افزایش یافته آن بر اساس نرخ تورم برای سال‌های بعد باشد، وجود سابقه از آن در سامانه‌های مربوطه مطابق قوانین و مقررات لازم است. عدم تقدیم اسناد مثبته که قابل راستی‌آزمایی باشد، به حکم دادگاه مستوجب جزای نقدی به میزان یک‌چهارم ارزش آن اموال خواهد بود. در این صورت، اصل مال موضوع قانون تا زمان رسیدگی قضایی توقیف می‌شود. چنانچه پس از رسیدگی اثبات شود دارا شدن مشروع بوده، از مال رفع توقیف، و در غیر این صورت ضبط می‌شود».

شایان ذکر است که در قانون مورد بحث، ادله اثباتی مخففه به نحوی که «احراز و علم به نامشروع بودن اموال» به «ظن نزدیک به علم» تغییر یافته است، «ظن نزدیک به علم» در مقایسه با «علم» از حیث ارزش ادله اثباتی در فرایند دادرسی، از مرتبه ارزشی پایین تری برخوردار است؛ به نحوی که از شک خارج و به علم نزدیک شده، اما به درجه علم نمی‌رسد. با وجود این، معیار مشخصی مثل سبک زندگی مجرمانه به عنوان معیار عینی جهت تعیین ظن نزدیک به علم در این قانون بیان است. در این قانون، اگرچه همه فرایندهای رسیدگی به مصادره مورد بحث در دادگاه و مراجع کیفری دنبال می‌شود، اما مؤلفه جرایم منشأ خاص (مؤلفه سبک زندگی مجرمانه) که مهم ترین مؤلفه افتراق مصادره مبسوط کیفری از مدنی است، در این قانون پیش‌بینی نشده است. همچنین نظام مصادره تدوین شده در این قانون، فاقد مؤلفه مفروضات قانونی است. از این رو، دادرسان در تعیین میزان اموال موضوع مصادره مبسوط، در ابهام و سکوت قانون رها شده‌اند. حال آنکه بایسته‌های پیشنهادی گروه ویژه اقدام مالی و نیز سایر نظام‌های حقوقی پیشرو در این عرصه، مؤلفه‌های مذکور را در جهت کارآمدی بیشتر نظام مصادره مبسوط در مقابله با جرایم کلان اقتصادی اتخاذ کرده‌اند. از این رو لازم است قانونگذار ما نیز به اصلاح و تکمیل مؤلفه‌های نظام مصادره مبسوط طراحی شده در قانون مورد بحث پردازد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

رهیافت نظام حقوقی گروه ویژه اقدام مالی در خصوص رژیم مصادره مبسوط در واکنش به جهانی شدن بزهکاری و بزهکاری سازمان‌یافته شکل گرفت. این نوع مصادره دارای چند مؤلفه است: نخستین مؤلفه آن، جرایم منشأ خاص (مؤلفه سبک زندگی مجرمانه) است که مجموعه جرایم سازمان‌یافته است و عادتاً موجب تحصیل مال نامشروع شده و با توجه به نوعشان کشف آن‌ها با مشکل روبه‌روست؛ از جمله آن‌ها قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان هستند که به عنوان جرایم منشأ خاص (جرایم سبک زندگی) شناخته می‌شوند. در کنار جرایم مذکور، وجود تحقیقات مالی و امارات و شواهد پذیرفتنی و اقناع مبنی بر تحصیل مال از طریق نامشروع، مؤلفه سبک زندگی

مجرمانه را برای متهم به اثبات می‌رساند. این مؤلفه، مخصوص مصادره مبسوط کیفری است. اگرچه غالب مؤلفه‌ها و اوصاف مصادره مبسوط کیفری در قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ و آیین‌نامه اجرایی آن تدوین شده است، اما مؤلفه سبک زندگی در این قانون پیش‌بینی نشده است و از این حیث در راستای انطباق با استانداردها و توصیه شماره ۴ گروه ویژه اقدام مالی، نیازمند اصلاح است. در نظام حقوقی مصادره پیش‌بینی شده در اسناد گروه ویژه اقدام مالی، چهار مفروض تبیین شده که مؤلفه دوم، نظام مصادره مبسوط کیفری می‌باشد؛ بدین نحو که دادگاه ملزم است همه درآمدها و هزینه‌هایی را که در طول شش سال قبل وجود داشته است، به‌عنوان عواید حاصل از جرم مفروض دانسته، در ضمن شخص ثالثی نیز در آن دخیل نمی‌باشد. این مؤلفه نیز برای تعیین میزان اموال موضوع مصادره مبسوط کیفری در قانون مورد بحث پیش‌بینی نشده است. پس از سبک زندگی مجرمانه و برقراری مفروضات چهارگانه در مؤلفه سوم، همه عواید و املاک مظنون مبتنی بر ادله اثباتی مخففه مثل توازن احتمالات نامشروع دانسته شده است. در نظام حقوقی ایران، اگرچه ظن متأخم به علم و ظن قوی به‌عنوان ادله کاهش ارزش ادله اثباتی برای مصادره مبسوط کیفری و مدنی پیش‌بینی شده است، اما نسبت این دو ملاک و نیز معیار عینی و مشخص برای تشخیص آن‌ها در قانون پیش‌بینی نشده است. در مؤلفه چهارم، بار اثبات منقلب می‌شود. در این حالت است که متهم می‌بایست مشروع بودن اموال و عواید را بر اساس توازن احتمالات اثبات نماید. حسب شرحی که گذشت، در نظام حقوقی ما، نظام مصادره مبسوط اداری وجود ندارد؛ نظام مصادره مبسوط کیفری نیز فاقد مؤلفه جرایم منشأ خاص (مؤلفه سبک زندگی مجرمانه) و مفروضات قانونی است. همچنین دیگر مؤلفه‌هایی که در نظام حقوقی ما برای مصادره مبسوط وجود دارد، از ابهامات و نواقصی برخوردار است که در ذیل با توجه به رهیافت حاصل از مؤلفه‌ها و بایسته‌های پیشنهادی گروه ویژه اقدام مالی، تبیین و پیشنهادات لازم ارائه می‌گردد.

۱- در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با اغماضاتی می‌توان وجود مصادره مبسوط مدنی در قانون اصلاح اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۹۹ و نیز مصادره مبسوط کیفری در قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ را مشاهده کرد.

اما مصادره مبسوط اداری در هیچ‌یک از قوانین پیش‌بینی نشده است؛ هرچند مصادره اداری در ماده ۲۱ قانون قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحیه ۱۴۰۰ تدوین شده است. در این راستا لازم است در جهت انطباق با استانداردهای گروه ویژه اقدام مالی، نظام مصادره مبسوط اداری نیز تدوین گردد.

۲- مهم‌ترین انگیزه ارتکاب جرم از منظر مجرمان جرایم اقتصادی، تحصیل عواید و اموال از طریق ارتکاب جرم و پاک‌نمایی آن است. از این حیث لازم است که قلع هدف غایی مرتکب جرم، از مهم‌ترین اهداف نظام حقوق کیفری تعریف گردد. سیاست تقنینی اتخاذشده در کشورهای پیشرو در امر مبارزه با جرایم سازمان‌یافته اقتصادی، در قالب مصادره مبسوط کیفری بروز کرده است. این در حالی است که مهم‌ترین مؤلفه مصادره مبسوط کیفری که مؤلفه جرایم منشأ خاص (مؤلفه سبک زندگی مجرمانه) است، در نظام حقوقی ایران به‌عنوان مؤلفه مصادره مبسوط کیفری وجود ندارد. از این رو پیشنهاد می‌شود با تکمیل و اصلاح مؤلفه‌های پیش‌بینی شده در قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷، مؤلفه جرایم منشأ خاص (مؤلفه سبک زندگی مجرمانه) نیز پیش‌بینی گردد تا از این طریق، موجبات کارآمدی بهتر نظام مقابله با عواید مجرمانه تسهیل و خطر وقوع جرایم پولشویی و جرایم مالی و سازمان‌یافته کاهش یابد.

۳- در نظام حقوقی ایران، منقلب شدن بار اثبات به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مصادره مبسوط، محدود به هیچ ملاک کمی نشده^۱ و تنها به تحلیل کیفی اکتفا گردیده است. حال آنکه پیشنهاد می‌گردد همانند نمونه بیان‌شده در «سند عملکردهای بهینه در خصوص مصادره اموال» توسط گروه ویژه اقدام مالی، محکومیت به جرایم خاص و ملاک سبک زندگی مجرمانه به‌عنوان سنجه کمی انقلاب دعوی در کنار تبیین کیفی تقنین گردد. این مهم به کارآمدی بیشتر نظام مصادره مبسوط مدنی و کیفری پیش‌بینی شده در قانون الحاق موادی به قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ و قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی می‌انجامد.

۱. تبصره ۱ ماده ۲ قانون اصلاح مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ اذعان داشته است: «هرگاه ظن نزدیک به علم، به عدم صحت معاملات و تحصیل اموال وجود داشته باشد، مانند آنکه نوعاً و با توجه به شرایط، امکان تحصیل آن میزان دارایی در یک زمان مشخص وجود نداشته باشد».

۴- ملاک در کاهش ارزش ادله اثبات دعوی در مصادره مبسوط بیان شده در قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ و قانون الحاق مواد به قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ مصوب ۱۳۹۹، موجب سلیقه‌ای شدن و خودتفسیری قانون می‌گردد؛ زیرا مفاهیم استفاده شده مبهم بوده و قابلیت تفسیرهای متعددی دارد. در نظام حقوقی گروه ویژه اقدام مالی و در نظام‌های حقوقی کامن‌لا، «توازن احتمالات» به‌عنوان یک قاعده اثباتی شناخته شده در دعاوی مدنی است که مصادیق آن در رویه‌های قضایی مشخص است؛ حال آنکه دو ملاک کاهش ارزش ادله اثبات دعوی تعریف شده در مقررات حقوقی ایران، «ظن نزدیک به علم» و «ظن قوی» به‌عنوان یک نهاد تأسیسی جدید، در دو قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ و قانون الحاق موادی به قانون اجرای اصل ۴۹ و دستورالعمل اجرایی آن مصوب ۱۳۹۹، تعریف عینی و مشخص ندارد. ابهام در مفاهیم و انعطاف در معنا موجب سردرگمی محاکم و سوءاستفاده مجرمان از ابهام قانونی می‌گردد. ضمن اینکه دادرسی از حالت قانون‌محوری به سمت شخص‌محوری پیش می‌رود؛ به نحوی که هر شعبه نسبت به یک موضوع واحد می‌تواند آراء خاص خود را داشته باشد. بنابراین به هدف عینی‌تر شدن و ارائه ملاک ظن متأخم به علم می‌بایست تعریف مصادیقی در کنار تعریف مفهومی از دو عبارت «ظن متأخم به علم» و «ظن قوی‌تر» ارائه شود. در این راستا می‌توان از شیوه سبک زندگی مجرمانه و نمونه بیان شده در «سند عملکردهای بهینه در خصوص مصادره اموال» گروه ویژه اقدام مالی استفاده کرد.

۵- در نمونه ارائه شده توسط گروه ویژه اقدام مالی در «سند عملکردهای بهینه در خصوص مصادره اموال»، مبدأ زمانی ۶ ساله جهت تعیین اموال موضوع مصادره تعیین شده است؛ حال آنکه در نظام حقوقی مصادره مبسوط تدوین شده در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، مبدأ زمانی نامشروع مفروض دانستن اموال مشخص نیست.

۶- برابری سلاح‌ها بدین معناست که شرایط تعریف شده برای هریک از طرفین باید به گونه‌ای باشد که هیچ‌یک از طرفین به صورت اساسی نسبت به دیگری، در وضعیت نامناسب‌تری جهت اثبات و رد دعوی واقع نشود. در پرتو این اصل است که در آیین دادرسی کیفری، هر دو طرف از حق دفاع برخوردارند، هر دو طرف از حق داشتن و

اتخاذ وکیل برخوردارند، هر دو طرف حق دسترسی به پرونده را دارند. از جمله این حقوق، ارزش ادله اثباتی مورد استناد است. هر دو طرف باید بتوانند برای اثبات مدعای خود از یک نوع ادله با ارزش اثباتی برابر بهره جویند. از این روست که در اسناد گروه ویژه اقدام مالی، همان‌طور که دادستان و قاضی مبتنی بر ادله اثباتی مخففه «توازن احتمالات» می‌توانستند اموال متهم را موضوع مصادره ميسوط کیفری قرار دهند، متهم نیز می‌توانست مبتنی بر توازن احتمالات، مشروع بودن اموال خود را اثبات کند. این در حالی است که در نظام حقوقی ایران با اینکه دادگاه و دادستان می‌توانند بر اساس دلیل اثباتی مخففه «ظن متأخم به علم» یا «ظن قوی»، اموال متهم را موضوع مصادره ميسوط قرار دهند، اما مشخص نیست که آیا متهم نیز از چنین حقی برخوردار است یا اینکه برای رفع اتهام از خود باید ادله علم‌آور و فرای ظن معقولانه ارائه کند؟ بنابراین لازم است که قانونگذار در قوانین مورد بحث با توجه به اصل برابری سلاح‌ها، حق مذکور را برای متهم به رسمیت شناخته و بدان تصریح نماید.

کتاب‌شناسی

۱. توسلی نائینی، منوچهر، قدرت‌الله خسروشاهی، و زهره نصراللهی، «اصل برابری سلاح‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتماد، شماره ۹۴، تابستان ۱۳۹۵ ش.
۲. جوانمرد، بهروز، جرایم سازمان‌یافته فراملی (جلد اول) - از حقوق جزای تطبیقی تا بین‌المللی شدن حقوق کیفری، تهران، جاودانه، ۱۳۹۶ ش.
۳. خلیلی پاجی، عارف، تأثیر ارزهای مجازی بر جهانی شدن بزهکاری، به راهنمایی علی حسین نجفی ابرندآبادی و باقر شاملو، رساله دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۱۴۰۰ ش.
۴. دلیر، حمید، اموال مرتبط با جرم در حقوق ایران، انگلستان و اسناد بین‌المللی، به راهنمایی رجب گلدوست جویباری، رساله دکتری دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶ ش.
۵. رابرتسون، رونالد، جهانی شدن؛ تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران، ثالث، ۱۳۸۲ ش.
۶. سبحانی، حسین، مبانی و بایسته‌های نظام حاکم بر اموال مرتبط با جرم در پرتو استانداردهای گروه ویژه اقدام مالی؛ سنجش و انعکاس آن‌ها در فقه و حقوق ایران، رساله دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه، شهریور ۱۴۰۲ ش.
۷. سبحانی، حسین، و سیدمنصور میرسعیدی، «مطالعه تطبیقی مصادره مبسوط کیفری از منظر گروه ویژه اقدام مالی، اتحادیه اروپا، انگلستان و ایران»، مطالعات حقوق تطبیقی، دانشگاه تهران، زمستان و بهار ۱۴۰۲ ش.
۸. شریفی طرازکوهی، حسین، درآمدی بر شهروندی جهانی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۹. قانون اجرایی اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۳. و دستورالعمل اجرایی قانون اجرایی اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۴.
۱۰. قانون اساسی.
۱۱. قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷.
۱۲. قانون الحاق به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان در تاریخ ۱۳۷۰/۰۹/۰۳
۱۳. قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مریدا) در تاریخ ۱۳۸۷/۰۷/۲۰.
۱۴. قانون الحاق موادی به قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۹. و دستورالعمل اجرایی قانون الحاق موادی به قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۹.
۱۵. قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵.
۱۶. قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۴.
۱۷. قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶.
۱۸. قانون مبارزه با قاچاق مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷.
۱۹. قانون مبارزه با قاچاق مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶.

۲۰. قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹.
۲۱. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
۲۲. قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶.
۲۳. قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشکری و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها مصوب ۱۳۳۷.
۲۴. قانون منع مداخله کارکنان دولت مصوب ۱۳۳۷.
۲۵. میرسعیدی، سیدمنصور، و حسین سبحانی، «بایسته‌های سند ملی ارزیابی ریسک (خطر) پولشویی و تأمین مالی تروریسم در پرتو رویکرد ریسک پایه»، *مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، سال دهم، شماره ۲۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ ش.
۲۶. نجفی، سینا، «بررسی جزایی ضبط و مصادره اموال در قانون مجازات اسلامی ایران»، *فصلنامه بین‌المللی قانون‌یار*، سال سوم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۸ ش.
۲۷. نصری، قدیر، «در چستی جهانی شدن؛ تأملی نظری در سمت و سرشت آهنگ جهانی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال چهارم، شماره ۳ (پیاپی ۱۳)، پاییز ۱۳۸۰ ش.

Books and Articles:

28. Alagna, Federico, "Non-conviction Based Confiscation: Why the EU Directive is a Missed Opportunity," *European Journal on Criminal Policy and Research*, Vol. 21(4), 2015.
29. Bassiouni, M. Cherif & Eduardo Vetere, *Organized Crime: A Compilation of U.N. Documents, 1975-1998*, Ardsley New York, Transnational Publishers Inc., 1998.
30. Boucht, Johan, "Curtain: Assessing the Feasibility of Extended Appropriation," in: *The Limits of Asset Confiscation: On the Legitimacy of Extended Appropriation of Criminal Proceeds*, Oxford, Hart Publishing, Bloomsbury Collections, 2017.
31. Brun, Jean-Pierre & Anastasia Sotiropoulou & Larissa Gray & Clive Scott & Kevin M. Stephenson, *Asset Recovery Handbook: A Guide for Practitioners*, 2021 International Bank for Reconstruction and Development/ The World Bank.
32. Brussels, Center for the Study of Democracy, *Disposal of Confiscated Assets in the EU Member States: Laws and Practices*, 20.7.2012.
33. Cassella, Stefan D., "Civil Asset Recovery: The American Experience," *eu crim: the European Criminal Law Associations' forum*, N^o. 3, 2013.
34. Id., "The Case for Civil Forfeiture: Why in Rem Proceedings are an Essential Tool for Recovering the Proceeds of Crime," *Journal of Money Laundering Control*, Vol. 11(1), 2008.
35. Euro just, Report on non-conviction-based confiscation (General Case 751/NMSK 2012), For an interesting discussion of the justify cations for civil recovery of criminal proceeds, 2 April 2013.
36. FATF, Best Practices on Confiscation (Recommendations 4 and 38) and a Framework

- for Ongoing Work on Asset Recovery, October 2012.
37. FATF, FATF President's paper: Anti-money laundering and counter terrorist financing for judges and prosecutors, FATF, Paris, France, 2018, <<https://www.fatf-gafi.org/publications/methodandtrends/documents/AML-CFT-judges-prosecutors.html>>.
 38. FATF, International Standards on Combating Money Laundering and the Financing of Terrorism & Proliferation, FATF, Paris, France, 2012-2018.
 39. FATF, Methodology for Assessing Compliance with the FATF Recommendations and the Effectiveness of AML/CFT Systems, FATF, Paris, France, 2013, Updated February 2018.
 40. Harris, David J., *Law of the European Convention on Human Rights*, 3rd Edn., Oxford, Oxford University Press, 2014.
 41. Harris, David J. & Michael O'Boyle & Edward P. Bates & Carla M. Buckley, *Harris, O'Boyle and Warbrick: Law of the European Convention on Human Rights*, Oxford University Press, 2015.
 42. Jacobsen, Jorn & Vilde Hallgren Sandvik, "An Outline of the New Norwegian Criminal Code," *Bergen Journal of Criminal Law and Criminal Justice*, Vol. 3(2), 2015.
 43. Johansen, Jon Petter Rui, "The civil asset forfeiture approach to organised crime: exploring the possibilities for an EU model," *eucri: the European Criminal Law Associations' forum*, N^o. 4, 2011.
 44. Kennedy, Anthony, "Justifying the Civil Recovery of Criminal Proceeds," *Journal of Financial Crime*, Vol. 12(1), 2004.
 45. Manes, Vittorio, "L'ultimo imperativo della politica criminale: nullum crimen sine confiscatione," *Rivista italiana di diritto e Procedura Penale*, Vol. 58(3), 2015.
 46. Maugeri, Anna Maria, "The Criminal Sanctions against the Illicit Proceeds of Criminal Organisations," *New Journal of European Criminal Law*, Vol. 3(3-4), 2012.
 47. McBride, Jeremy, "Proportionality and the European Convention on Human Rights," in: Evelyn Ellis (Ed.), *The Principle of Proportionality in the Laws of Europe*, Oxford, Hart Publishing, 1999.
 48. Milone, Sofia, "On the borders of criminal law. A tentative assessment of Italian "non-conviction based extended confiscation"," *New Journal of European Criminal Law*, Vol. 8(2), 2017.
 49. Ryder, Nicholas James, "To Confiscate or not to Confiscate? A Comparative Analysis of the Confiscation of the Proceeds of Crime Legislation in the United States and the United Kingdom," *Journal of Business Law*, Vol. 8, 2013.
 50. Stessens, Guy, *Money Laundering: A New International Law Enforcement Model*, 3rd Edn., Cambridge, 2002.

51. Thony, Jean-François, "Money Laundering and Terrorist Financing: An Overview," in: *Current Developments in Monetary and Financial Law*, Vol. 3, 2005.
 52. Thunberg Schunke, Malin, *Extended Confiscation in Criminal Law: National, European and International Perspectives*, Intersentia, 2017.
 53. Ulph, Janet, "Confiscation Orders, Human Rights and Penal Measures," *Law Quarterly Review*, Vol. 126, 2010.
 54. Vettori, Barbara, *Tough on Criminal Wealth: Exploring the Practice of Proceeds from Crime Confiscation in the EU*, Springer, 2006.
 55. Young, Simon N.M. (Ed.), *Civil Forfeiture of Criminal Property: Legal Measures for Targeting the Proceeds of Crime*, Edward Elgar Publishing Limited, 2009.
- Laws and Court decisions and documents:**
56. Appl. No. 10519/83, Judge.
 57. Appl. No. 5100/71; 5101/71; 5102/71; 5354/72; 5370/72, June 1976.
 58. Chapter 10 Section 9 Subsection 4 of the Finnish Criminal Code.
 59. Code of Laws of the United States of America 18. 981(b).
 60. Danmarks borgerlige Straffelov (1930).
 61. Directive 2014/42/EU of the European Parliament and of the Council on the Freezing and Confiscation of Instrumentalities and Proceeds of Crime in the European Union.
 62. ECtHR, Sporrang and Lonroth v. Sweden, Appl. No. 7151/75 and 7152/75, 18 December 1984.
 63. Engel and Others v. The Netherlands, Series A No. 22, Appl. No. 5100/71; 5101/71; 5102/71; 5354/72; 5370/72, 8 June 1976.
 64. European Convention on Human Rights 1950.
 65. Ireland, The Proceeds of Crime Act 1996 (PoCA 1996), as amended by the Proceeds of Crime (Amendment) Act 2005 (PoCA 2005) and the Proceeds of Crime (Amendment) Act 2016 (PoCA 2016).
 66. Italy, Codice Antimafia 2011.
 67. Protocol to the Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms Paris, 20.III.1952
 68. Sweden, Penal Code, Chapter 36.1962
 69. UK, Proceeds of Crime Act 2002
 70. United States, The Civil Asset Forfeiture Reform Act 2000.
 71. United States, National Money Laundering Risk Assessment – 2018.
 72. United States, National Money Laundering Risk Assessment – 2015.
 73. Appl. No. 8544/79, 21 February 1984.
 74. Germany, Appl. No. 8544/79, 21 February 1984.

75. ECtHR, Agosi v. the UK, 24 October 1986 and Handyside v. the UK, 7 December 1976.
76. ECtHR, M v. Italy, Appl. No. 12386/86, 15 April 1991.
77. Appl. No. 12954/87, 22 February 1994.
78. Appl. No. 17440/90, Judgment of 9 February 1995.
79. Appl. No. 41087/98, Judgment of 5 July 2001.
80. Italy, Appl. No. 52024/99, 5 July 2001.
81. Norway, Act of 20 May 2005 No 28.
82. Appl. No. 28457/10, Decision on 4 November 2014.

